



سازمان فضایی، فرم و عملکرد قلعه‌های کوهستانی استان تهران، مطالعه موردی: قلعه - شهر فیروزکوه*

علی فرحانی^I

حسن کریمیان^{II}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۵۸ - ۱۳۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.18.133

چکیده

در میان گونه‌های مختلف معماری ساکنان فلات ایران، قلعه‌ها در زمره یکی از شگفت‌انگیزترین و در عین حال پرشمارترین آن‌ها به‌شمار می‌روند. این بناها که با هدف تأمین امنیت ساکنان این سرزمین در نقاط مختلف آن شکل گرفته‌اند، با گذشت ایام توسعه و تکامل یافته و متناسب با مکان ساخت، اهداف سازندگان و عملکردشان، از سازمان فضایی و فرم خاصی برخوردار هستند. بی‌شک پرشمارترین قلعه‌ها را می‌توان در قلمرویی که ری کهن و تهران امروز را در خود پرورانده، نمود؛ به‌ویژه آن‌که تأمین امنیت این دو پایتخت ایران، احداث تأسیسات دفاعی را ضروری می‌ساخت. در مطالعات میدانی نگارندگان، تعداد قابل توجهی از این قلعه‌ها شناسایی گردید که بخشی از آن‌ها بر ارتفاعات البرز مشرف بر دشت تهران استوار گردیده‌اند؛ بدین سبب تعیین سازمان فضایی، فرم و عملکرد این قلعه‌ها موضوع پژوهشی قرار گرفته که نتایج آن در این نوشتار ارائه شده است. در نیل به این هدف، پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص توزیع مکانی و زمانی، الگوی حاکم بر سازمان فضایی، فرم و عملکرد و نیز قانون تمرکز این استحکامات دفاعی ضرورت یافت. در مطالعات میدانی، که با بررسی و مستندسازی تمامی نمونه‌ها صورت پذیرفت، از ۱۵۹ قلعه و بنای دفاعی شناسایی شده، ۶۹ قلعه (قریب ۴۰٪) در ناحیه کوهستانی تهران و متعلق به ادوار پیش از اسلام و دوران اسلامی هستند. یکی از این نمونه‌ها که در مرکز شهر فیروزکوه واقع است، قلعه‌ای است با همین نام (قلعه فیروزکوه) که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قلعه کوهستانی تهران به‌شمار می‌رود. در نوشتار حاضر تلاش گردیده تا با اتکاء بر اسناد و منابع معتبر تاریخی و پژوهش‌های میدانی باستان‌شناختی، این نمونه بسیار شاخص و ناشناخته نیز معرفی گردد.

کلیدواژگان: قلعه‌های کوهستانی تهران، قلعه فیروزکوه، متون تاریخی، مطالعات باستان‌شناختی، تاریخ‌گذاری و عملکرد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «علی فرحانی» تحت عنوان: «مطالعه سازمان فضایی، فرم و عملکرد قلعه‌ها و استحکامات دفاعی دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی (محدوده استان تهران) در قرون میانی اسلامی» به‌راهنمایی «حسن کریمیان» و مشاوره «کمال‌الدین نیکنامی» است.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

II. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

کشور ایران به دلیل قرار داشتن در مسیر راه‌های ارتباطی شرق و غرب، از دیرباز مورد توجه و تهاجم اقوام بیگانه بوده است. این شرایط ساکنان آن را بر آن داشت تا برای حفظ امنیت خود چاره‌اندیشی، و نسبت به ساخت بناها و تأسیسات دفاعی در نقاط مختلف آن اقدام نمایند (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۱-۱۲). برخی محققین پیشینه ساخت بناهای دفاعی در ایران را از هزاره سوم پیش از میلاد، پنج هزار سال پیش ذکر کرده‌اند^۱ (کلایس، ۱۳۶۶: ۱۰۶ و ۱۱۳). عمده شواهد به دست آمده از ساخت بناهای دفاعی در مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناختی، مربوط به هزاره اول پیش از میلاد، و دوره مادها است (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۲۵-۱۲۴؛ اشمیت، ۱۳۹۱: ۳۵؛ دایسون، ۱۳۵۶: ۱۷). در دوره هخامنشی ساخت بناهای دفاعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در ادوار بعد در دوران سلوکی، اشکانی و ساسانی پیشرفت‌های فراوانی در زمینه ساخت، توسعه و بهره‌برداری از بناهای دفاعی و عناصر و اجزاء معماری آن‌ها صورت گرفت. در دوران اسلامی نیز معماران ایرانی با استفاده از دانش و تجربیات پیشینیان، این گروه از تأسیسات دفاعی را توسعه داده و تکامل بخشیده‌اند.

قلمرویی که امروزه «استان تهران» نامیده می‌شود، از جمله مناطقی است که به سبب موقعیت درخشان جغرافیایی و شرایط زیست‌محیطی مساعد و قرارگیری در مسیر شاهراه‌های مهم ارتباطی، در ادوار مختلف تاریخی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است. شرایط مطلوب ذکر شده هم‌چنان که رشد و توسعه تمدن‌های این منطقه را در پی داشته، سبب بروز تهدیدهایی برای ساکنان این دشت نیز بوده و آن‌ها را بر آن داشته تا برای تداوم حیات خود، بناها و تأسیسات دفاعی و از جمله قلعه‌هایی را در نقاط مختلف آن برپا نمایند. یکی از نمونه‌های شاخص شناسایی شده در این پژوهش، قلعه کوهستانی فیروزکوه یا فیروزشاه^۲ در منتهی‌الیه شرق استان است. به‌گواه اسناد و متون معتبر تاریخی، این قلعه یک مرکز نظامی مهم حکومتی و یکی از هفت دربند اصلی شاهراه ری-طبرستان^۳ و جاده خراسان بزرگ بوده و تا قرن ۱۰ ه.ق.، در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌نحو مؤثری ایفای نقش نموده است.

پرسش و فرضیات پژوهش: نقش بی‌بدیل تأسیسات دفاعی و به‌ویژه قلعه‌های کوهستانی در استمرار حیات تمدن‌های دشت تهران، نگارندگان را بر آن داشت تا با انجام پژوهش‌های میدانی به پرسش‌هایی در خصوص توزیع مکانی و زمانی و همچنین الگوی حاکم بر سازمان فضایی، فرم و عملکرد آن‌ها پاسخ گویند. در پژوهش حاضر، تلاش گردیده تا به این پرسش پاسخ گفته شود که با اتکاء به چه ویژگی‌هایی می‌توان قلعه فیروزکوه را مهم‌ترین قلعه کوهستانی استان به‌شمار آورد و سازمان فضایی، فرم و عملکرد این قلعه چگونه بوده است؟ فرض بر آن بود که با توجه به اهمیت ارتباطی دشت تهران، قلعه‌های استواری در امتداد شبکه ارتباطی این دشت و به‌ویژه در ارتفاعات کوهستانی شرقی استان احداث شده‌اند. به‌علاوه با عنایت به پیشینه قوی ساخت تأسیسات دفاعی در عصر مادها، به نظر می‌رسد که اولین قلعه‌های کوهستانی تهران نیز در این دوران شکل یافته باشند. هدف آن است تا ضمن ارائه فهرست قلعه‌ها و تأسیسات دفاعی کوهستانی استان تهران، الگوی حاکم بر سازمان فضایی، فرم و عملکرد یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های شناسایی شده (قلعه فیروزکوه) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش پژوهش: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در نیل به این هدف، از مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین نتایج مطالعات میدانی نگارندگان^۴ بهره‌برداری گردیده است. رویکرد اصلی مقاله برپایه اسناد، متون و گزارشات تاریخی و انطباق آن با بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی است.

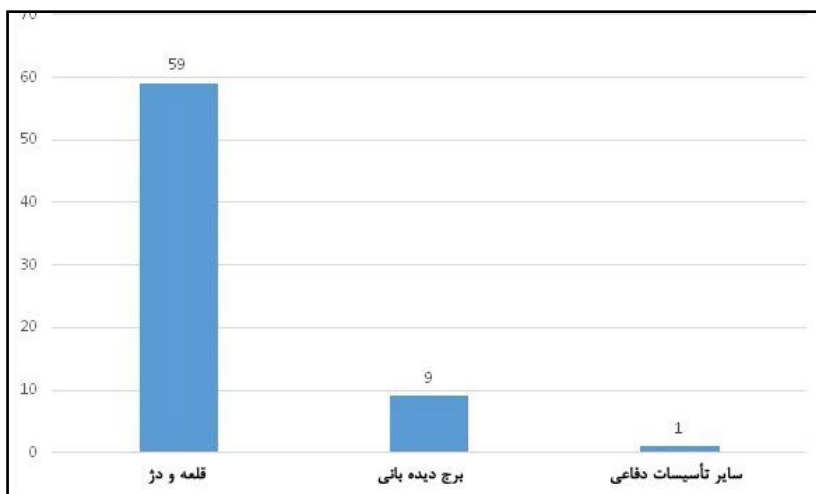
پیشینه پژوهش

باوجود کثرت مطالعات درباره قلعه‌های ایران^۵، اطلاعات مرتبط با قلاع تهران و به‌ویژه قلعه

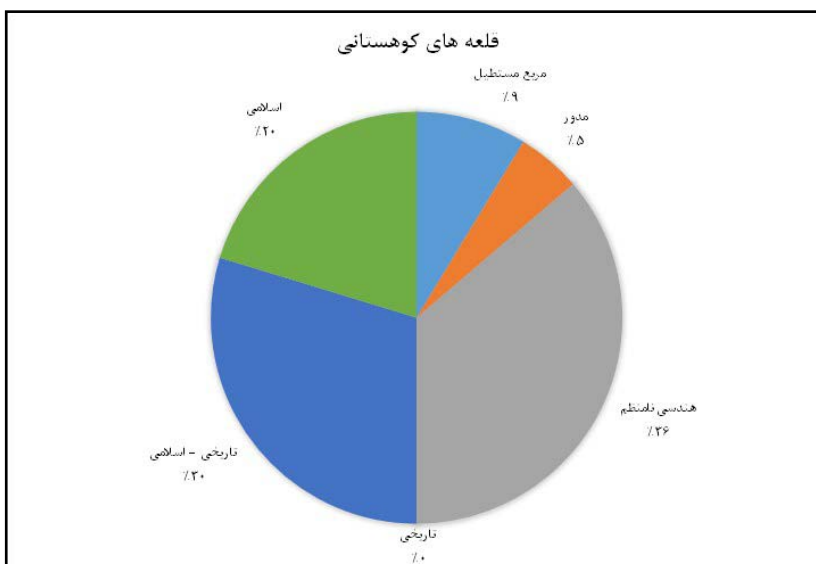
فیروزکوه با توجه به اهمیت و جایگاه آن، بسیار اندک است. شاید بتوان توصیف «کلاویخو» - سیاح اسپانیایی - که در حدفاصل سال‌های ۸۰۴ و ۸۰۵ ه.ق.، در سفرنامه‌اش شرح مختصری از ساختار معماری و اهمیت قلعه فیروزکوه ارائه داده را یکی از نخستین منابع قابل استفاده درباره این قلعه به‌شمار آورد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۸۰-۱۷۹). «محمدحسن خان اعتمادالسلطنه»، نیز در سال ۱۳۰۰ ه.ق. از این قلعه دیدن کرده و در جلد نخست کتاب مطلع الشمس به توصیف آن پرداخته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۳۳-۲۶). وی همچنین در کتاب دیگرش، التدوین فی احوال جبال شروین، درباره قلعه فیروزکوه و حوادث تاریخی آن مطالبی ذکر کرده که تکرار مطالب کتاب پیشین است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۲۱-۲۲۰ و ۲۴۰-۲۳۸). «منوچهر ستوده» در کتاب «قلاع اسماعیلیه» در رشته‌کوه‌های البرز اطلاعات مختصری از دژ لاجورد فیروزکوه ارائه نموده است (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۴۲-۱۳۶ و تصاویر ۴۷ تا ۵۱). همچنین مندرجات «حسین کریمان» در کتاب قصران (کوهسران) (کریمان، ۱۳۵۶: ۴۳۶-۴۳۲)، و کتاب‌های استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی و آثار تاریخی فیروزکوه «ناصر پازوکی طرودی» (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۴ و ۱۳۸۱ الف: ۴۲-۴۰)، که در آن‌ها نیز اطلاعات بسیار مختصری از قلاع ناحیه فیروزکوه، از جمله قلعه فیروزکوه ارائه گردیده است.

توزیع مکانی و زمانی قلاع کوهستانی استان تهران

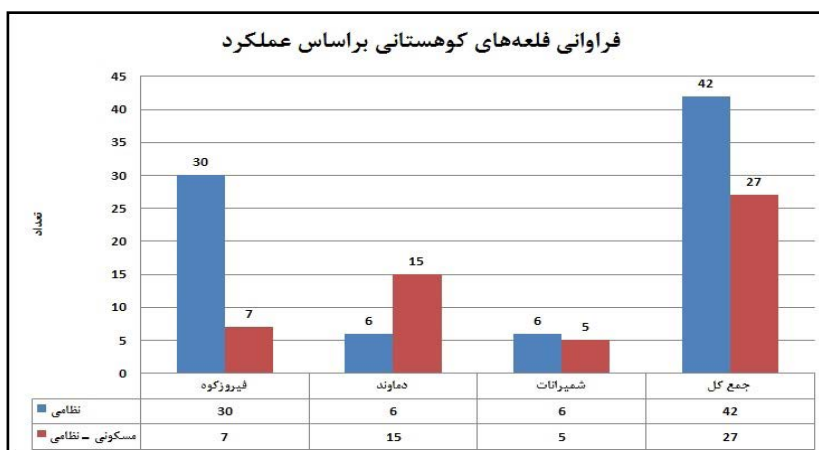
در مطالعات میدانی نگارندگان در پهنه استان تهران، ۱۵۹ بنای دفاعی شامل: قلعه-تپه، قلعه، دژ، برج دیدبانی، دیوار و سایر تأسیسات دفاعی شناسایی و مستندسازی شد. در این پژوهش مشخص گردید که قریب به ۶۰٪ تأسیسات دفاعی استان در دشت‌های نیمه جنوبی و ۴۰٪ در نقاط کوهستانی شمال آن پراکنده شده‌اند (تصویر ۱، جدول ۱). از منظر گونه‌شناسی تأسیسات دفاعی کوهستانی استان شامل: ۵۹ قلعه و دژ، ۱۱ برج دیدبانی و یک بنا (احتمالاً به عنوان یک مقر راهداری) است (نمودار ۱). نتایج پژوهش‌ها نشان داد که از نظر توزیع مکانی، قلاع کوهستانی عموماً در مجاورت راه‌ها، گذرگاه‌ها و شبکه‌های ارتباطی اصلی و مهم و همچنین مراکز اصلی جمعیتی (شهر و روستا) برپا شده‌اند. بیشترین تمرکز قلعه‌ها نیز به ترتیب از شرق به غرب، در شهرستان فیروزکوه با ۳۴ اثر، شهرستان دماوند با ۲۱ اثر و شهرستان شمیرانات با ۱۱ اثر است (تصویر ۱). از نظر توزیع زمانی، بیشتر قلعه‌های کوهستانی استان به دوران تاریخی (اشکانی-ساسانی) و دوران اسلامی، به ویژه قرون اولیه و میانی (قرن ۳ تا ۹ ه.ق.) تعلق دارند و اغلب آن‌ها در منتهی‌الیه شرق استان، یعنی ناحیه فیروزکوه قرار دارند. قدیمی‌ترین قلعه کوهستانی شناسایی شده، سرخ قلعه در شمال شرقی فیروزکوه در ابتدای شرقی تنگه راهبردی سرانزا است، که بنیاد اولیه آن به نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد، و احتمالاً به دوره مادها تعلق داشته و تا پایان قرن ۶ ه.ق.، مورد استفاده قرار گرفته است (پازوکی و همکاران: ۱۳۸۱). فرم غالب در قلاع کوهستانی هندسی نامنظم است. در مواردی نیز فرم‌های منظم هندسی مانند دایره و چندوجهی (۴ یا ۶ وجهی) نیز دیده می‌شود (نمودار ۲). از نظر عملکرد اغلب دژهای کوهستانی دارای کارکردی مسکونی-نظامی بودند، به این معنی که در شرایط عادی بیشتر جنبه مسکونی داشته و در شرایط اضطراری مانند: حمله یا جنگ، به مکانی نظامی تبدیل می‌شدند. برخی از دژها نیز صرفاً عملکردی نظامی داشتند. قلعه‌های راهداری و ارتباطی (ستوده، ۱۳۶۶: ۹۲؛ پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۶) و قلعه‌های سرحدی و راهبردی (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۵؛ عریان، ۱۳۷۴: ۳۰۵؛ کریمیان سردشتی، ۱۳۸۷: ۵۱۶-۵۱۵) از این دسته هستند. در نمودار سه عملکرد قلعه‌ها و استحکامات دفاعی کوهستانی استان تهران ارائه شده است (نمودار ۳). مکان‌گزینی قلعه‌های کوهستانی استان تهران تابع متغیرهایی است که در جدول ۱، تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها ارائه شده است.



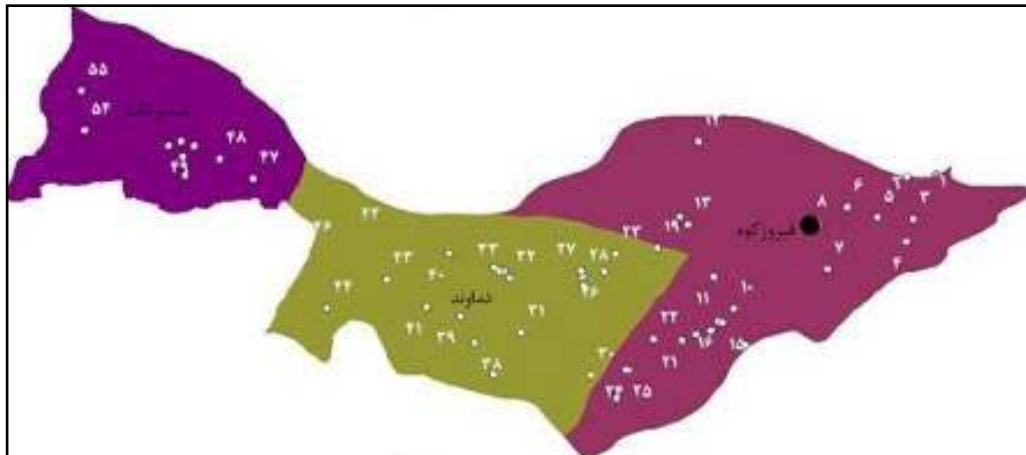
نمودار ۱. گونه‌شناسی استحکامات دفاعی کوهستانی تهران (نگارندگان، ۱۳۹۸).



نمودار ۲. توزیع زمانی و فرم قلعه‌ها و تأسیسات دفاعی کوهستانی تهران (نگارندگان، ۱۳۹۸).



نمودار ۳. تقسیم‌بندی قلعه‌ها و استحکامات دفاعی کوهستانی تهران براساس عملکرد (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۱. پراکندگی قلعه‌ها و بناهای دفاعی پهنه کوهستانی تهران (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قلعه فیروزکوه

قلعه فیروزکوه یا به باور اهالی فیروزشاه که به شماره ۳۸۳۱ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴)، بر بلندای کوهی واقع در جنوب غرب شهر فیروزکوه، در موقعیت جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه و ۵۶،۲۲ ثانیه عرض جغرافیایی و ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه و ۷،۳۸ ثانیه طول جغرافیایی و در ارتفاع ۲۰۸۸ متری از سطح دریا قرار دارد (تصویر ۲). امروزه به دلیل توسعه بافت شهر فیروزکوه این قلعه از جهات: شمالی، شمال شرقی، شرقی و جنوبی در این بافت محصور است. در ادامه به اختصار اطلاعات مندرج در منابع و متون تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها ارائه و سازمان فضایی این قلعه معرفی شده است.



تصویر ۲. موقعیت قلعه فیروزکوه مشرف بر شهری با همین نام (نگارندگان، ۱۳۹۹).

الف) متون تاریخی

بررسی‌های نگارندگان نشان داد که تا قرن ۵ ه.ق.، هیچ نشانی از قلعه فیروزکوه در اسناد مکتوب تاریخی به چشم نمی‌خورد، ولی در ارتباط با شهر فیروزکوه در برخی اسناد مطالبی وجود دارد. شاید بتوان مکتوبات «محمد بن جریر طبری» (۲۶۰ تا ۳۱۰ ه.ق.) در کتاب تاریخ طبری یا تاریخ الزسل و الملوک را قدیمی‌ترین سند درباره فیروزکوه به‌شمار آورد؛ وی در باب پادشاهی «فیروز ساسانی»^۶ می‌نویسد: «وی پسر یزدگرد پسر بهرام بود... مدت پادشاهی فیروز بیست و هفت سال بود... فیروز بگفت تا به ری شهری بسازند و آن را رام فیروز نام کرد و ما بین گرگان و دربندصول نیز شهری ساختند و آن را روشن فیروز نام کرد و در آذربایجان نیز شهری ساختند و آن را شهرام فیروز نام کرد...» (طبری، ۱۳۷۵: ۶۳۰-۶۲۸). پس از طبری تا ظهور سلجوقیان مطلب قابل توجهی از قلعه فیروزکوه در اسناد و منابع تاریخی به چشم نمی‌خورد. «یاقوت حموی» (۵۷۴-۶۲۶ ه.ق.) و «ابن اسفندیار» (در سال ۶۱۳ ه.ق.) نام قلعه فیروزکوه را به صورت «بیروزکوه» ضبط کرده‌اند (حموی، ۱۳۶۲: ۴۱ و ۱۴۱؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۹۲، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۶۲، ۱۶۷ و ۲۳۱). یاقوت در سال ۶۱۶ ه.ق.، از نزدیک این قلعه را دیده و در معجم البلدان به‌هنگام توصیف شهر «ویمه»^۷ می‌نویسد: «... ناحیه‌ای در کوه‌های بین ری و طبرستان و در مقابل آن قلعه مستحکمی است که آن را بیروزکوه می‌نامند و از اعمال دنیاوند است. من این محل را زمانی خرابه‌ای بیش نبود از نزدیک دیدم» (حموی، ۱۹۵۷: ۳۸۷-۳۸۶؛ مرتضایی و فرحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). او درباره قلعه فیروزکوه می‌نویسد: «... قلعه‌ای در بلاد طبرستان نزدیک دنیاوند مشرف بر شهری که به آن ویمه می‌گویند، من خود آن را دیده‌ام» (همان: ۲۸۴ و ۱۰۵). یاقوت در کتاب دیگر خود المشرق نیز از قلعه فیروزکوه با عنوان «بیروزکوه» و «فیروزکوه» نام می‌برد، و چنین نوشته: «بیروزکوه: نام دو جایگاه است؛ (۱) دژ استواری است که پایتخت جبال غور میان هرات و غزنه است... (۲) دژ استواری است که من آن را در کناره طبرستان (از ناحیه ری) دیده‌ام، دژ مزبور نزدیک کوه دنیاوند (دماوند) است. رضی دارد که آن را «ویمه» گویند و من آن را به سال ۶۱۶ دیدم و ویرانی بدان راه یافته بود» (حموی، ۱۳۶۲: ۴۱). در کتاب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، مطالب بسیاری درباره قلعه فیروزکوه و حوادث مرتبط با آن ذکر شده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۸۸). او در شرح وقایع و حوادث تاریخی مربوط به ظهور «سادات علوی (علویان)» در طبرستان، به داستان خروج «حسن بن زید»^۸، به فیروزکوه اشاره نموده^۹ و از قلعه فیروزکوه به عنوان یکی از قلعه‌های در اختیار این اصفهبد اشاره می‌کند (همان: ۱۶۲، ۱۶۷ و ۱۲۴). در قرن ششم هجری قمری، «ثعالبی» به تبعیت از طبری در خصوص این شهر آورده است: «... فیروز در ری شهری ساخت که رام فیروز نام نهاد و...» (ثعالبی، ۱۳۸۶: ۳۷۱).

«خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری» (وفات ۵۸۲ ه.ق.) نیز در سلجوقنامه ضمن شرح داستان جلوس «مسعود بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی (سلطان مسعود سلجوقی)» و در شرح ماجرای فرار «عباس» والی ری (مهجوری، ۱۳۸۱: ۲۶۲) به دژ اردهن^{۱۰}، از قلعه فیروزکوه به عنوان یکی از قلاع مهم و معتبر تحت حاکمیت حکام مازندران یاد کرده است (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲: ۷۹). در جلد دوم کتاب تاریخ جهانگشای جوینی (۶۵۸ ه.ق.)، بخش دیگری از حوادث و اتفاقات مرتبط با قلعه فیروزکوه در روزگار خوارزمشاهیان و مغولان ذکر شده و به قتل «سلطان رکن‌الدین غور سانجی»^{۱۱} به‌هنگام حمله مغول به ایران در سال ۶۱۹ ه.ق.، در قلعه فیروزکوه اشاره رفته است (همان: ۲۱۰). در جلد سوم این کتاب نیز به موضوع تخریب قلعه فیروزکوه به دستور «هلاکو» اشاره شده است (همان: ۱۰۸). در تاریخ رشیدی «رشیدالدین فضل‌الله»، از کتب قرن ۸ ه.ق.، در ذکر وقایع سال‌های ۶۹۰ و ۶۹۲ ه.ق.، به فیروزکوه اشاره شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۳۰-۲۹).

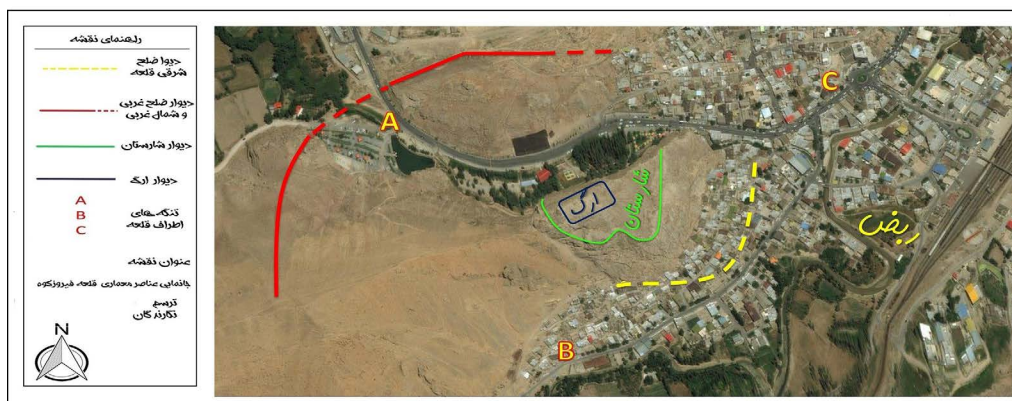
«حمدالله مستوفی» مورخ و جغرافی‌نویس قرن ۸ ه.ق.، در کتاب نزهة القلوب، فیروزکوه را از جزو اقلیم چهارم و از نواحی قومس و طبرستان برشمرده است (مستوفی، ۱۳۲۰: ۱۶۲-۱۶۱). مؤلف ذیل

مجمع‌الانساب نیز آورده است که «امیرجلال‌الدین» و «امیرعلی متمیر»، مدتی قلعه فیروزکوه و ری و آن نواحی را در تصرف داشتند (رجب‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۷۰-۷۶۹). همچنین «کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی» در قرن ۹ ه.ق.، در کتاب تاریخی مطلع‌سعدین و مجمع‌بحرین در ذکر وقایع سال ۷۶۰ ه.ق.، و خروج «امیرسیدقوام‌الدین مرعشی» در ولایت مازندران به قلعه فیروزکوه اشاره نموده است. در همین کتاب در ذکر وقایع سال ۷۶۵ ه.ق.، نیز به داستان خروج «امیرولی» و تصرف قلعه فیروزکوه توسط او اشاره رفته است (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۳۰۵ و ۳۰۶). در جلد دوم کتاب ظفرنامه «شرف‌الدین علی یزدی»^{۱۲} نیز به تفصیل به داستان فتح قلعه فیروزکوه توسط «تیمورلنگ» پرداخته شده است (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۰۹-۴۰۷).

در تاریخ خانی «علی بن حسین لاهیجی»^{۱۳}، اشاره شده که قلعه فیروزکوه در زمان سلطنت «کارگیا میرزاعلی» (۹۱۰-۸۸۳ ه.ق.) به تصرف «کیایان» گیلان درآمد (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۴۶-۴۵). در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران «سیدظهیرالدین مرعشی» متعلق به قرن ۹ ه.ق.، در شرح داستان اختلاف میان «تیمورلنگ» و «اسکندر شیخی» در سال ۸۰۵ ه.ق.، به نبرد آن‌ها در قلعه فیروزکوه و تسخیر قلاع آن دیار از جمله قلعه فیروزکوه توسط «سادات مرعشی» مازندران اشاره شده است (ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۶۱: ۴۹-۴۸، ۲۰۴-۱۹۹). در کتاب تاریخ روضه‌الصفاء از کتب قرن ۹ ه.ق.، نیز به داستان چگونگی فتح قلعه فیروزکوه توسط تیمور اشاره شده است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۴۶۸-۴۶۷). «حافظ ابرو» در زبدة‌التواریخ در شرح وقایع سال ۸۱۸ ه.ق.، اشاره می‌کند: «در بیستم رجب امیرحسن (حسین) کیا از قلعه فیروزکوه به بندگی حضرت رسید و صدق طواعیت و خدمتکاری و خلوص اذعان و فرمانبرداری به اظهار رسانید» (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۰۰). در کتاب تاریخ جهان‌آراء، از کتب عهد صفوی ذکر شده که در روزگار حکومت «آق‌قویونلو» قلعه فیروزکوه در اختیار «حسین کیای چلاوی» بود (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۵۳). در کتاب احسن‌التواریخ، از منابع معتبر عصر صفوی، در ذکر رخداد‌های سال ۸۸۳ ه.ق.، (دوره حکومت آق‌قویونلو) به قلعه فیروزکوه اشاره شده و نشان می‌دهد که این قلعه در این دوره مورد استفاده برخی از حاکمان این عصر بوده است (روملو، ۱۳۴۹: ۵۷۰-۵۶۹). در جلد دوم و سوم کتاب حبیب‌السیر «خواندمیر» نیز مکرراً به قلعه فیروزکوه و حوادث مربوط به آن اشاره شده است (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۶۴۰ و ۶۵۴-۶۵۳ و ۳۴۳-۳۴۰ و ۳۶۶-۳۶۷ و ۴۴۲-۴۳۸، ۴۶۸ و ۵۲۵-۵۲۴). یکی دیگر از منابع معتبر در ارتباط با قلعه فیروزکوه، کتاب تاریخ خاندان مرعشی مازندران^{۱۴} است (میرتیمور مرعشی، ۱۳۵۶: ۳۹-۳۵ و ۷۹). در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی، «اسکندریک ترکمان» به داستان حمله و فتح قلعه فیروزکوه توسط «شاه اسماعیل اول» صفوی در سال ۹۰۹ ه.ق.، اشاره رفته است (اسکندریک ترکمان، ۱۳۸۲: ۳۰-۲۹). «منوچهر ستوده» در کتاب استوناوند، به نقل از «سیدحسن حسینی استرآبادی»، جنگ شاه اسماعیل با امیرحسین کیای چلاوی را جزو وقایع سال ۹۱۰ ه.ق.، در سال پنجم سلطنت شاه اسماعیل آورده است (ستوده و همکاران، ۱۳۶۷: ۵۹). این موضوع در کتاب عالم‌آرای شاه اسماعیل با جزئیات بیشتری ذکر شده و آمده است که قلعه نیز تخریب گردید (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۲۰-۱۱۶). به هر روی به نظر می‌رسد پس از فتح قلعه فیروزکوه توسط شاه اسماعیل، این قلعه نیز -مانند دژ گل‌خندان (فرحانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۲۷) و استوناوند (ستوده و همکاران، ۱۳۶۷)- آن چنان حیات و آبادانی خود را از دست داد که در متون بعد از عهد صفوی هیچ نشانی از آن به چشم نمی‌خورد^{۱۵}. «محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» در عهد «ناصرالدین شاه» به آثار و بقایای متروک و مخروب این قلعه اشاره دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۲۳ و ۲۹-۲۶). اعتمادالسلطنه در جلد نخست کتاب مطلع‌الشمس مطالب سودمندی درباره قلعه فیروزکوه ذکر کرده و در بخشی از کتاب، نتیجه بازدید خود از قلعه را به طور کامل تشریح نموده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۲۳ و ۲۹-۲۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳).

ب) سازمان فضایی قلعه

۱. شبکه‌های ارتباطی (تنگه‌ها، گذرگاه‌ها و دروازه‌ها و رودی): در جوانب شمال غربی، شمال شرقی و جنوبی قلعه فیروزکوه چند تنگه و گذرگاه مهم وجود داشته که ارتباط ساکنان قلعه با محوره‌های ارتباطی و مناطق هم‌جوار را ممکن می‌ساخت (تصویر ۳). این‌ها دقیقاً همان محوره‌های ارتباطی شهر فیروزکوه هستند که از چشمان تیزبین محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دور نمانده‌اند.^{۱۴} اگرچه اعتمادالسلطنه از چهار مدخل و چهار دروازه شهر نام برده است، اما امروزه با توجه به توسعه و گسترش آن، سه تنگه یا گذرگاه در پیرامون قلعه فیروزکوه قابل‌رؤیت است. تنگه‌ای با عرض تقریبی ۷۵ متر در فاصله تقریبی ۲۰۰ متری شمال غربی که رودخانه واشی از غرب به شرق در آن جریان دارد. تنگه دیگری که با عرض تقریبی ۲۵ متر در فاصله ۵۰۰ متری جنوب قلعه فیروزکوه قرار دارد و امروزه خط آهن تهران-شمال و جاده عموم در آن قرار دارد. از آنجایی که در امتداد مسیر این تنگه به سمت جنوب، قلعه‌ها و استحکامات دفاعی زیادی از روزگار پیش از اسلام و اسلامی ساخته شده، می‌توان آن را گذرگاه مهم و راهبردی قلعه فیروزکوه به‌شمار آورد. تنگه یا گذرگاهی که در جانب شمال شرقی قلعه واقع بود، امروزه دستخوش تغییرات زیادی شده و تعیین حدود آن میسر نیست. احتمالاً نخستین دیوار قلعه در جایی این تنگه را محصور می‌نمود و دروازه‌ای در آن تعبیه شده بود تا ساکنین شهر بتوانند از طریق این تنگه به سمnan یا مازندران تردد نمایند. در گوشه شمال شرقی و به فاصله حدود ۳۰ متری صخره اصلی کوه، صخره کوچک و منفردی با جهت شمالی-جنوبی به طول تقریبی ۵۰ متر و عرض ۲۵ و ارتفاع ۷ متر قرار دارد (تصویر ۲) که به «کوتوال» معروف است. بر سطوح فوقانی صخره مذکور شواهدی از فعالیت‌های انسانی (آب‌انبار و فضایی (اطاقی) دست‌کند مشهود است. همچنین سطوح قسمت‌های مختلف صخره کوتوال تراشیده شده، که نشانگر استفاده آن توسط ساکنین قلعه بوده است. با اتکاء به شواهد ذکر شده، نگارندگان بر این عقیده‌اند که دروازه اصلی ورودی قلعه در این قسمت، یعنی در حدفاصل صخره کوتوال و صخره اصلی قرار داشته است. شایان ذکر است که نه تنها واژه کوتوال به معنای حاکم یا نگهبان است؛ بلکه شکاف و فاصله طبیعی بین صخره اصلی کوه و صخره کوتوال، مکان مناسبی برای احداث دروازه است و امروزه نیز تنها راه دسترسی و صعود به قلعه از این قسمت است.



تصویر ۳. جانمایی دیوارهای چهارگانه و تنگه‌های اطراف قلعه فیروزکوه بر روی عکس هوایی نگارندگان، (۱۳۹۹).

۲. تأسیسات دفاعی (دیوارها و برج‌ها): با اتکاء به شواهد برجای مانده از دیوارهای دفاعی می‌توان گفت که قلعه فیروزکوه دارای چهار دیوار، با مصالحی از سنگ‌لاشه، ملاط گچ و ساروج، خشت‌وگل و چوب بوده است. چنان‌که در تصویر ۳ مشهود است، نخستین حصار شهر در دامنه

کوه متصل به قلعه واقع در جبهه غربی آن و در فاصله ۲۵۰ متری از دیوار ارگ قرار داشته است. امروزه بقایای پی سنگی این دیوار که از ابتدای صخره‌ای که تنگه رودخانه واشی در شمال غرب قلعه آغاز و با جهتی شمالی-جنوبی تا رأس کوه کشیده شده به وضوح مشهود است (تصویر ۳)؛ فی الحال، تنها بقایای بخش‌هایی از این دیوار، که عنوان شهربند (در بند اول) قلعه کاربری داشت، و تنها یکی از برج‌های آن برجای مانده و سایر قسمت‌های آن با توسعه شهری و دخل و تصرفات صورت گرفته از بین رفته است. احتمالاً این تنگه دارای تخته پل و دروازه‌ای بوده و در شرایط اضطراری با بستن آن امکان عبور و مرور غیرممکن می‌گردید. اعتمادالسلطنه نیز به این دیوار و عملکرد آن اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۲۷-۲۶). آن چه مسلم است، این است که این دیوار بخشی از حصار پیرامونی قلعه و ربض آن به شمار می‌رفته و نقش مهمی در کنترل رفت و آمد از تنگه واقع در این بخش و حفاظت از آن را برعهده داشته است. در تصویر ۳، همچنین موقعیت سه دیوار دیگر قلعه مشخص گردیده است. دیوار دوم در قسمت شرقی صخره اصلی از مجاورت بخش جنوبی دروازه ورودی اصلی قلعه (صخره کوتوال) به سمت جنوب و غرب امتداد داشته و امروزه اثر چندانی از آن برجای نمانده است. دیوار سوم که بقایای بیشتری از آن مشهود است، حصار بخش شارستان قلعه بوده که به شکل U در سه جبهه شرقی، غربی و جنوبی امتداد داشته و برج‌هایی نیز در پیرامون آن قرار داشت. دیوار چهارم، متعلق به ارگ قلعه با برج‌های قطور و مرتفع که در اطراف ارگ کشیده شده بود و امروزه بخش‌هایی از آن و برج‌هایش برجای مانده است.

۳. فضاهای حاکمیتی: ارگ یا شاه‌نشین در قلعه‌ها بخش اصلی فضای حاکمیتی و مستحکم‌ترین و مهم‌ترین فضای آن به شمار می‌رود. ارگ، مکانی برای استقرار حاکم و بلندپایه‌ترین افراد و همچنین محلی برای نگه‌داری و ذخیره دارایی‌های ارزشمند (خزانه)، تسلیحات نظامی (اسلحه‌خانه) انبار مواد غذایی بوده است. موقعیت و فرم ارگ در دژهای کوهستانی متناسب با موقعیت هر دژ متفاوت است و تنها وجه اشتراک آن، احداث آن در بلندترین و غیرقابل نفوذترین نقطه است. ارگ قلعه فیروزکوه نیز در بلندترین قسمت صخره کوه و در منتهی‌الیه غربی آن قرار دارد (تصویر ۴) و از تمامی جهات دارای شیب تندی است که دسترسی به ارگ را بسیار دشوار می‌سازد؛ با این حال در دو جبهه غربی و شرقی ارگ نیز دیوارهای قطوری ایجاد شده که آن را غیرقابل نفوذ ساخته است. ارگ این قلعه با ابعاد ۶۵ تا ۷۰ متر طول و ۳۰ تا ۳۵ متر عرض و دیواری یکپارچه سنگی (سنگ‌لاشه و ملاط گچ) احداث شده و دیوارهایی از خشت و گل در پیرامون آن ایجاد و چند برج سنگی در بدنه خارجی آن تعبیه گشته است. ورودی ارگ در دیوار شرقی قرار دارد که امکان دسترسی به بخش شاه‌نشین را مقدور می‌سازد. بقایای چهار برج در پیرامون دیوارهای ارگ شناسایی شده که دو برج در مرکز دیوارهای جبهه شمالی و جنوبی و دو برج دیگر نیز در دو گوشه شمال شرقی و جنوب شرقی در محل اتصال دیوارها احداث شده‌اند. به علاوه، در انتهای قسمت غربی ارگ نیز فضای برج مانند نسبتاً بزرگی وجود دارد که از خارج چندوجهی و از داخل مدور بوده و احتمالاً مقر حاکم قلعه بوده است (تصویر ۵ الف و ب). با توجه به شواهد موجود و اشارات منابع تاریخی قرن نهم هجری قمری، دو دوره مختلف ساختمانی قابل تشخیص است. دوره اول، پی دیوار از سنگ و ملاط گچ و برروی آن دیوار قطوری از خشت و ملاط گل احداث شده است. دیوار دوم، تماماً از سنگ‌لاشه و ملاط گچ است و پوسته و قشر خارجی دیوار را شامل می‌شود و به احتمال فراوان در دوره تیموری احداث شده است.

۴. فضاهای زیستی: فضاهای زیستی در قلعه فیروزکوه، شامل دو بخش شارستان و ربض بوده است؛ ۱- شارستان، در پای ارگ، محدوده استقرار مردم عادی، نظامیان و سربازان بوده و وسیع‌ترین و در عین حال پرجمعیت‌ترین قسمت آن به شمار می‌رفت. ۲- بخش عامه‌نشین

(ربض) که محل استقرار کشاورزان و پیشه‌وران بوده و اماکن عمومی مانند: مسجد، حمام و... در آن جای داشته است. این بخش که محدوده فعالیت‌های اقتصادی نیز به‌شمار می‌رفته، با دیواری محصور می‌شده است. شارستان محدوده‌هایی از شمال، شرق و جنوب فضای پیرامون قلعه را دربر می‌گرفت، ولی تمرکز بناهای آن بیشتر در قسمت‌های شرقی و جنوب شرقی و شمال شرقی قلعه بوده است (تصاویر ۳ و ۴). این بخش که قسمتی از بافت تاریخی شهر فیروزکوه را نیز شامل می‌شد، تا محوطه باستانی ویمه - در ۳/۵ کیلومتری شمال شرقی شهر - نیز امتداد می‌یافت. بنابه برخی اشارات تاریخی، ساکنان این بخش در شرایط غیرعادی مانند: سرما و باد شدید^{۱۷} (ابودلف، ۱۳۴۲: ۷۶) و یا به‌هنگام هجوم و حمله، به ارگ پناه می‌بردند (حموی، ۱۳۶۲: ۴۱؛ مرتضایی و فرحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). اگرچه اعتمادالسلطنه به تعدادی از بناهای ربض قلعه فیروزکوه نظیر: مسجد، حمام، آسیاب، بازار و... اشاره نموده (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۰۱۵-۱۰۱۴)، امروزه به‌استثنای محوطه پیرکمر، تقریباً تمامی آثار تاریخی این بخش تخریب شده است.



تصویر ۴. موقعیت ارگ، شهرستان و ربض و دروازه اصلی در قلعه - شهر فیروزکوه بر روی عکس هوایی آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

فضاهای زیستی بخش شهرستان (شارستان) قلعه فیروزکوه، در دامنه شرقی صخره و جانب شرقی ارگ قلعه واقع و به وسیله دیواری قطور به شکل U از سایر قسمت‌ها مجزا می‌شد (تصویر ۳). در نمای خارجی، برج‌های سنگی مدوری نیز در فواصل معین تعبیه شده که به دلیل شدت تخریب، نمی‌توان تعداد دقیق آن‌ها را برشمرد. پی دیوار از سنگ‌لاشه و ملاط گچ و بر روی آن دیواری از خشت و گل برپا شده است (تصویر ۶الف) و به‌منظور مهار نیروهای رانشی و تقویت ایستایی، در طول و عرض برخی قسمت‌های آن، از تیرهای چوبی (درخت سروکوهی) استفاده شده است. تقریباً بر تمام سطوح صخره‌ای بخش شارستان، شواهدی از تراش صخره‌ها به چشم می‌خورد که شکل ظاهری آن‌ها نشانگر استفاده از این سطوح برای برپایی فضاهای زیستی مورد نیاز (مانند اطاق و...) ساکنین بوده است (تصویر ۶ب) همچنین در بخش‌های داخلی حصار، بقایایی از معماری



تصویر ۵. الف) نمای داخلی ارگ قلعه، در ابتدای تصویر بقایای آب‌انبار آن دیده می‌شود (دید از شرق)؛ ب) نمای خارجی برج اصلی حاکم‌نشین قلعه، دید از غرب (نگارندگان، ۱۳۹۸).



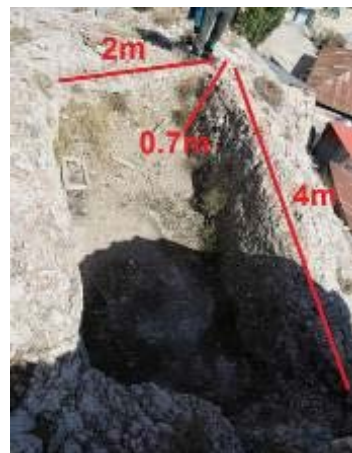
تصویر ۶. الف) بخشی از دیوار سوم قلعه (شارستان)، دید از جنوب؛ ب) بقایای فضاهای زیستی شارستان، دید از جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دست‌کند و دست‌چین مشهود است که به دلیل تخریب زیاد در مورد کاربری آن‌ها نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود. آب‌انبار (یخدان) مستطیل شکل بزرگی نیز در این بخش وجود دارد. با توجه به این‌که قلعه فیروزکوه یک دژ نظامی بوده، شارستان قلعه محل استقرار و سکونت افراد نظامی و سربازان نیز بوده است. طبیعی است که نظامیان رده بالا و فرماندهان در قسمت‌هایی نزدیک به ارگ و سربازان عادی در سایر قسمت‌ها، به‌ویژه در امتداد حصار، مستقر می‌شده‌اند. در حال حاضر بقایای معماری مشهود در این بخش، علاوه بر سطوح صخره‌ای تراشیده شده، عمدتاً بقایای دیوارهای سنگی و خشتی‌وگلی است که در پای حصار وجود دارند که احتمالاً محل استقرار نظامیان بوده است؛ اگرچه به دلیل آسیب‌های فراوان وارده به فضاهای زیستی این بخش نمی‌توان در خصوص تعداد تقریبی ساکنان آن اظهار نظر نمود، ولی با توجه به وسعت و تعداد فضاهای معماری احتمالاً در شرایط عادی حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ خانوار در آن ساکن بوده‌اند.

۵. فضاهای ذخیره آذوقه: یکی از ضروریات حیات ساکنین یک قلعه، دسترسی به مواد غذایی مناسب و کافی، امکان نگهداری و مدیریت بهینه آن، به‌ویژه برای شرایط اضطراری بوده است. در قلعه‌های کوهستانی انبارها یا اطاق‌هایی به صورت دست‌کند در بستر صخره‌ای برای ذخیره برخی اقلام ضروری (گندم، جو، حبوبات و...) ایجاد می‌شد. شناخت این فضاها در قلعه فیروزکوه، منوط به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است. ولی احتمالاً در ارگ یا شارستان قلعه، مکان‌هایی بدین‌منظور وجود داشته است.

۶. فضاهای ذخیره آب: با توجه به ارتفاع قلعه‌های کوهستانی از اراضی مجاور، تأمین آب موردنیاز و مدیریت بهینه آن، به‌ویژه در شرایط اضطراری مانند: جنگ و خشکسالی، یکی از

دشواری‌ترین اقدامات به حساب می‌آید. منابع تأمین آب قلعه فیروزکوه عبارت‌اند از: ۱- آب‌انبارها؛ ۲- جریان آب رودخانه‌ها؛ ۳- چشمه‌ها. در بررسی‌های صورت‌گرفته در بخش ارگ، شارستان و ورودی قلعه، سه آب‌انبار با ظرفیت آبیگری متفاوت شناسایی گردید (تصاویر ۷ الف و ۷ ب). با توجه به وسعت و جمعیت ساکن قلعه، احتمالاً آب‌انبارهای دیگری نیز در سطح آن و بخش‌های ارگ و شارستان وجود داشته که در صورت انجام کاوش‌های باستان‌شناسی می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب ساکنان قلعه فیروزکوه، جریان دو رودخانه دائمی گورسفید و واشی است. ساکنان قلعه برای استفاده از آب رودخانه واشی که به پای قلعه می‌رسید، چاهی را در بستر صخره‌ای تعبیه نموده بودند. بنا به اشاره اعتمادالسلطنه در قسمت ارگ قلعه، چاه سنگی وجود داشته است که در هنگام بازدید وی از قلعه فیروزکوه، چاه مذکور پر شده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۲۸-۲۷). به احتمال فراوان این چاه سنگی به مخزن آبی در حاشیه رودخانه واشی می‌رسیده و ساکنین در شرایط اضطراری می‌توانستند آب مورد نیاز خود را تأمین نمایند. به استناد منابع تاریخی، سپاهیان تیمور زمانی موفق به فتح قلعه فیروزکوه شدند که توانستند جریان آب رودخانه واشی را منحرف نموده و آب را آلوده نمایند (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۰۹-۴۰۷). چشمه‌های پیرامون قلعه فیروزکوه یکی -دیگر از منابع تأمین آب آن بوده‌اند که عموماً خشک شده‌اند. در بررسی‌های میدانی، مکان چشمه آبی در ارتفاعات واقع در قسمت غربی قلعه شناسایی شد، که آب آن با استفاده از تنپوشه‌های سفالی به قلعه منتقل می‌شده است.



تصویر ۷ الف (راست). آب‌انبار دست‌کند صخره کتوال، دید از غرب؛ ب) آب‌انبار دست‌کند شارستان، دید از جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۸).

تحلیل داده‌ها

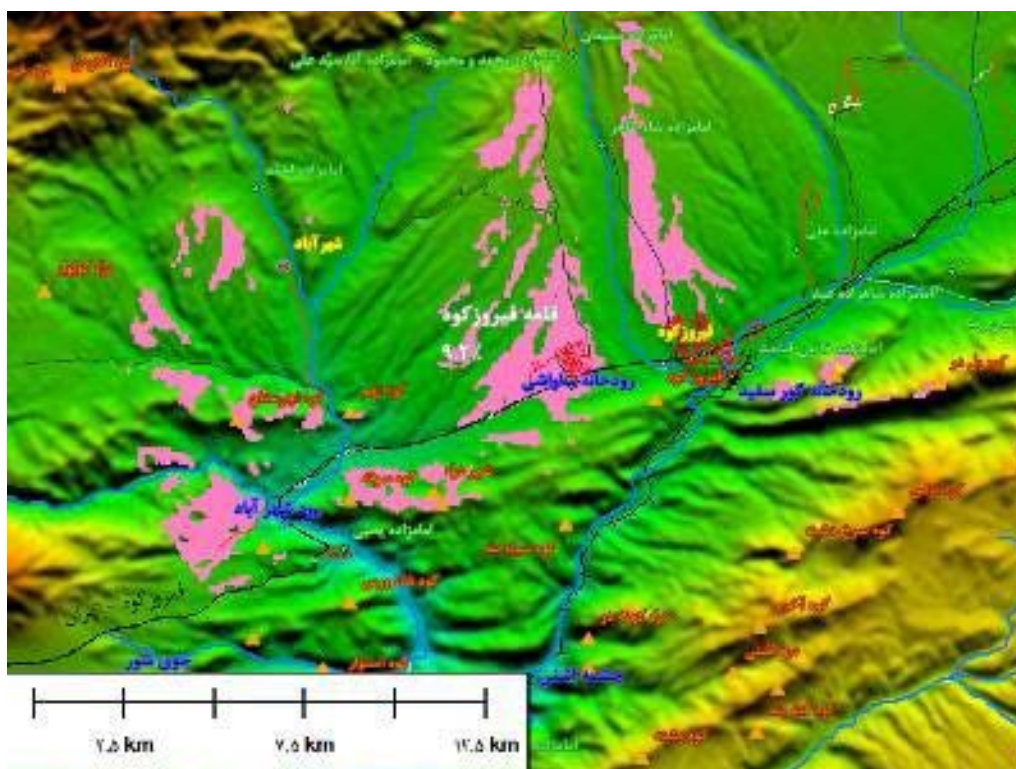
الف) مقایسه و تعیین کاربری: بررسی‌های صورت‌گرفته در قلعه‌های کوهستانی استان تهران از جمله قلعه فیروزکوه، حاکی از آن است که این گروه از بناها فاقد طرح یا نقشه منظمی بوده، و طرح بنا و اجزاء معماری آن بیشتر با وضع طبیعی کوه یا صخره‌ای که قلعه بر فراز آن برپا شده، ارتباط دارد. این قلعه‌ها چون طرح و نقشه‌ای از پیش‌آماده نداشتند، طراح یا معمار، حصارها، برج‌ها، اتاق‌ها و ورودی‌ها را با توجه به موقعیت طبیعی صخره‌ها احداث می‌کرد (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۴؛ کیانی، ۱۳۷۹: ۱۵)؛ در واقع، از نظر فرم، این قلعه‌ها دارای طرح و نقشه منحصربه‌فرد بوده و در شکل‌گیری آن، عوارض طبیعی و محل برپایی هر دژ و عملکرد آن، تعیین‌کننده طرح و نقشه نهایی آن است؛ بنابراین نمی‌توان دو قلعه کوهستانی با یک فرم مشابه یافت. از نظر عملکرد، قلعه‌ها و دژهای کوهستانی به دو گروه اصلی مسکونی-نظامی و نظامی (راهداری، دیدبانی، سرحدی)

تقسیم می‌شوند. برخی از مهم‌ترین وجوه تشابه در سازمان فضایی این قلعه‌ها، که به شدت در ساخت قلعه فیروزکوه مورد توجه بوده است، عبارتند از: انتخاب مکان مناسب با بیشترین امکان بهره‌برداری و بالاترین ضریب حفاظتی و امنیتی، احداث آن‌ها در نقاط مرتفع و مشرف بر محیط اطراف، امکان برقراری ارتباط مؤثر با سایر تأسیسات پیرامونی، قرار داشتن در مجاورت راه‌ها و محورهای ارتباطی یا مراکز جمعیتی (روستا یا شهر)، امکان دسترسی مطلوب به منابع آبی سالم یا شیوه‌های تأمین فضاهای ذخیره آب (ساخت آب‌انبار یا مخازن دست‌کند)، داشتن تنها یک مسیر ارتباطی مطمئن، بهره‌برداری مؤثر از مواد و مصالح محیط اطراف (سنگ‌لاشه و ملاط گچ و ساروج)، برپایی دیوار و برج‌های مرتفع و مستحکم در پیرامون قلعه، دروازه ورودی و همچنین دیوار جداکننده فضاهای داخلی قلعه (فضای زیستی عمومی و حاکمیتی)، حداکثر استفاده مؤثر از فضای موجود قلعه، اتخاذ تدابیر مناسب و مؤثر در هنگام بروز حوادث ناگهانی (خصوصاً جنگ و محاصره‌های طولانی) و موارد دیگر.

نتایج بررسی ساختار معماری و سازمان فضایی قلعه فیروزکوه، نشان می‌دهد که این بنا با طرح و نقشه‌ای نامنظم، با مواد و مصالح مقاوم و مستحکم برپا شده و در مقطعی نیز مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. شواهد معماری و تحلیل اشارات مندرج در متون تاریخی و جغرافیایی مرتبط با آن، حاکی از آن است که این بنا دژی کاملاً نظامی و یک پادگان یا مرکز دائمی نظامی بسیار مهم به‌شمار می‌رفت. قرار داشتن در مجاورت شاهراه مهم ارتباطی ری به طبرستان و نواحی هم‌جوار، سبب گردید که این بنا، بیش از یک هزاره در کانون بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار داشته باشد و از این حیث نمونه‌ای استثنایی به‌شمار رود. با وجود آن‌که در بررسی سطحی قلعه فیروزکوه سفال‌های متعلق به دوره ساسانی یا قبل از آن به‌دست نیامده، ولی تردیدی وجود ندارد که بنیاد نخستین آن متعلق به روزگار پیش از اسلام است. جدای از اشاره طبری، در کتاب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار متعلق به ابتدای قرن ۷ ه.ق.، به روشنی اشاره شده که فیروزکوه و قلعه آن یکی از دربندهای مهم عهد ساسانیان بوده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۸۸).

ب) میدان دید، قلمرو استحفاظی، موقعیت تدافعی: موقعیت مکانی و قرار داشتن بر بالای کوه سبب شده که قلعه از میدان دید زیادی از تمامی جهات برخوردار باشد. با توجه به اراضی پست و دشت‌های واقع در قسمت شرق، شمال و غرب، این قسمت‌ها کاملاً در دیدرس قلعه‌نشینان بوده است. این میدان دید در جهات شرقی با فاصله کمی به ارتفاعات واقع در این قسمت، از جنوب به تنگه‌ای که رودخانه واشی از آن به سمت دره حبله‌رود جاری است، محدود شده و از شمال و غرب نیز تا شعاع ۵ کیلومتری را پوشش داده است (تصویر ۸). کوهستانی بودن منطقه، ارتفاع زیاد قلعه از محیط اطراف، وجود بارو و حصارهای چهارگانه در پیرامون و بخش‌های مختلف آن، که با مصالح مقاومی از سنگ‌لاشه و ملاط گچ و ساروج برپا شده، ارتفاع زیاد دیوارها به‌ویژه در قسمت‌های داخلی، که بقایای موجود برخی قسمت‌ها به بیش از ۶ متر می‌رسد، و برج‌های متعدد و مستحکم متصل به حصارها، چشم‌انداز وسیع و فوق‌العاده قلعه بر محیط اطراف، امکان استقرار نیروی نظامی فراوان در نقاط مختلف، موقعیت تدافعی ویژه‌ای برای قلعه و ساکنان آن ایجاد نموده است. با داشتن چنین ویژگی‌هایی بود که فتح این قلعه توسط مهاجمین مغول و تیموری چندین ماه و حتی تا دو سال نیز به طول می‌انجامید و مهاجمین تنها با مصالحه با حاکم قلعه و تسلیم شدن ساکنین و در مواردی نیز با شناسایی و آلوده کردن منابع آبی قلعه می‌توانستند آن را فتح کنند (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۰۹-۴۰۷).

ج) گاه‌نگاری قلعه با اتکاء به یافته‌های فرهنگی و منابع تاریخی: در بررسی‌های نظام‌مند سطحی قطعات بسیار زیادی از مواد فرهنگی (سفال، شیشه، قطعات فلزی، کاشی و آجر) جمع‌آوری



تصویر ۸. محدوده میدان دید مؤثر قلعه فیروزکوه با استفاده از نرم افزار GIS (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گردید. سفال‌ها شامل دو گونه اصلی ساده و لعاب‌دار بوده و نوع لعاب‌دار درصد بیشتری را دربر می‌گیرد. لعاب به‌کاررفته در آن‌ها به رنگ‌های آبی، سفید، فیروزه‌ای، سبز، زرد، سیاه که با شیوه‌ها و روش‌هایی مانند: نقاشی زیرلعاب، نقش‌کننده زیرلعاب (اسگرافیاتو) و لعاب‌پاشیده اجرا شده‌اند. نقوش به‌کاررفته در انواع هندسی، گیاهی و ترکیبی هستند. در گاه‌نگاری سفال‌ها مشخص گردید که عموماً به قرن سوم و دوران آل بویه، سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی تعلق دارند. سفال‌های سلجوقی محوطه بسیار مشابه سفال‌های به‌دست‌آمده از کاوش دژ گل‌خندان بومهن، سرخ‌قلعه و قلعه‌لاجورد و سفال‌های ایلخانی و تیموری نیز مشابه نمونه‌های به‌دست‌آمده از دژ گل‌خندان هستند (فرحانی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶). سفال‌های ساده در رنگ‌های نخودی، قرمز، آجری با نقوش کنده، افزوده و برجسته مشابه شیوه‌های سفالگری دوره ساسانی است که در دوران اسلامی نیز تداوم یافته است. در بررسی سطحی قلعه یک قطعه کاشی با لعاب سیاه‌رنگ مشاهده شد که احتمالاً مربوط به تزئینات داخلی یکی از فضاهای ارگ باشد. علاوه بر آن، در سطح محوطه، قطعات ریز و فراوان مربوط به ظروف شیشه‌ای، فلزی، آجر به ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۴$ ، مشابه آجرهای به‌کاررفته در آب‌انبار بخش عامه‌نشین دژ لاجورد (فرحانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۴۹-۲۰۲۷) مشاهده شد. در مجموع، سفال‌های به‌دست‌آمده از سطح محوطه، نشانگر استقرار و سکونت در قلعه فیروزکوه از قرون اولیه اسلامی و تداوم آن تا ابتدای قرن ۱۰ ه.ق. است و هیچ‌گونه سفالی متعلق به بعد از دوره صفوی در آن مشاهده نشد.

از نوشته‌های مورخین و جغرافی‌نویسان نیز چنین استنباط می‌شود که قلعه فیروزکوه در بند مهم مازندران به‌شمار رفته و در روزگار ساسانیان در اختیار خاندان‌های قدرتمند ساسانی مستقر در مازندران - اسپهبدان طبرستان - بوده و پس از ظهور اسلام تا قرن دوم هجری قمری، نیز توسط آن‌ها اداره می‌شد. در قرن سوم و چهارم هجری قمری، که سادات علوی در طبرستان نفوذ و قدرت

زیادی داشتند، این قلعه تحت حاکمیت آن‌ها بود. در روزگار حکومت سلجوقیان (قرن ۶ ه.ق.) و خوارزمشاهیان (قرن ۷ ه.ق.) قلعه فیروزکوه غالباً در اختیار پادشاهان فرق دوم آل باوند طبرستان قرار داشت و حاکم یا کوتوال قلعه از سوی آن‌ها تعیین می‌شد. با وجود آن‌که پادشاهان سلجوقی و خوارزمشاهی در مقاطعی موفق به تصرف قلعه می‌شدند، ولی دیرزمانی نمی‌گذشت که مجدداً در اختیار حکام طبرستان قرار می‌گرفت. این موضوع، علاوه بر اهمیت بالای قلعه فیروزکوه، نشانگر قدرت و نفوذ فراوان این حاکمان بوده است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر مرکز حکومت (طبرستان)، نواحی وسیعی از دامنه‌های جنوبی البرز -از جمله فیروزکوه، دماوند، قصران، ری و خوار- تحت سیطره آن‌ها قرار داشت. اگرچه قلعه فیروزکوه متعاقب تصرف و تخریب توسط هلاکو اهمیت گذشته خود را از دست داد، اما به دست چلاویان و سپس مرعشیان حیات آن استمرار یافت، تا آن‌که در دوران تیموری و آق‌قویونلوها در اختیار حاکمانی از طبرستان قرار گرفت و تعمیرات جدی در آن صورت گرفت و در اواخر قرن نهم هجری قمری، مدتی به تصرف کیاییان گیلان درآمد، و در نهایت با ظهور حکومت صفوی، به دنبال بروز برخی اختلافات و جنگ میان حاکم وقت قلعه فیروزکوه و یکی از دست‌نشانندگان بنیان‌گذار سلسله صفوی، این قلعه در سال ۹۰۹ ه.ق.، توسط شاه اسماعیل تصرف و آن‌چنان تخریب شد که هیچ‌گاه اهمیت گذشته خود را به دست نیاورد و متروک و خالی از سکنه گردید.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، آن بود که با ارائه نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته در خصوص استحکامات دفاعی کوهستانی استان تهران و بررسی‌های نظام‌مند سطحی در قلعه-شهر فیروزکوه، تصویر روشنی از الگوی حاکم‌بر سازمان فضایی، فرم و عملکرد این قلعه ارائه گردد. در نیل به این هدف تلاش گردید تا با اتکاء به نتایج مطالعات میدانی، ویژگی‌ها و خصوصیات فضایی یکی از شاخص‌ترین قلاع این استان (قلعه فیروزکوه) مشخص و در انطباق با موارد مندرج در منابع مکتوب تاریخی مورد بررسی قرار گیرد؛ سپس با اتکاء به منابع تاریخی و مواد فرهنگی جمع‌آوری شده از عرصه قلعه، زمان تأسیس و ادوار استقرار آن مشخص گردید. نتایج تحقیقات صورت‌گرفته نشان داد که حدود ۴۰٪ از کل تأسیسات دفاعی استان تهران در بخش شرقی کوهستانی استان و در مجاورت راه‌ها و گذرگاه‌های مهم، مراکز جمعیتی و منابع آبی ناحیه فیروزکوه احداث گردیده است. از نظر عملکرد، اغلب قلعه‌ها دارای کارکردی عمدتاً مسکونی-نظامی بوده و برخی نیز عملکردی صرفاً نظامی داشته‌اند. فرم غالب در این قلعه‌ها هندسی نامنظم است. یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین محورهای ارتباطی میان: ری، طبرستان، سمنان و خراسان بزرگ از مجاورت قلعه فیروزکوه می‌گذشت. این قلعه که یک مرکز مهم نظامی-حکومتی و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قلعه کوهستانی استان به‌شمار می‌رفته، در ادوار مختلف اسلامی به‌عنوان یک مرکز نظامی بسیار مهم، از یک سو به‌شدت موردتوجه حاکمان سلسله‌های مختلف حکومتی مانند: سامانیان، آل‌بویه، سلجوقیان، مغولان، خوارزمشاهیان، تیموریان، آق‌قویونلوها و صفویان بوده، و از سوی دیگر موردتوجه حکام طبرستان قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که در منابع مکتوب غالباً از آن به‌عنوان یکی از قلاع مهم طبرستان یاد شده است.

بررسی ساختار فضایی قلعه فیروزکوه روشن ساخت که این قلعه از سه بخش مختلف ارگ، شارستان و ریض تشکیل شده و بخش‌های آن با توجه به فرم و شکل کوه، از شرق به غرب گسترش یافته است. ارگ در غربی‌ترین و بلندترین نقطه کوه و کاملاً مسلط و مشرف بر پیرامون و دو قسمت دیگر است و با دیوارها و برج‌های قطوری از سنگ و ملاط گچ و ساروج از سایر قسمت‌ها مجزا شده است. شارستان قلعه، در قسمت مشرق، با دیوار قطوری از سنگ‌لاشه، خشت و ملاط گچ

و ساروج محصور شده بوده است. ربض نیز دارای حصارى بوده که با گسترش بافت شهر از بین رفته است. اشارات مندرج در متون تاریخی و بررسی‌های میدانی نگارندگان مؤید آن است که حیات و سکونت در قلعه فیروزکوه از روزگار پیش از اسلام آغاز و در طی قروم اولیه و میانی اسلامی تداوم داشته و در نهایت با تصرف آن توسط بنیان‌گذار حکومت صفوی، سکونت در آن به پایان رسیده و دیگر هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفته است. امروزه بقایای قلعه فیروزکوه بر فراز صخره‌ای مرتفع در مرکز شهر به چشم می‌خورد که مانند بسیاری از قلعه‌های کوهستانی منطقه، به دلیل آسیب‌های وارده، خصوصاً مداخلات انسانی و عدم انجام برنامه‌های پژوهشی و اقدامات حفاظتی به حال خود رها شده و فرآیند تخریب آن، به‌ویژه با گسترش بافت مسکونی پیرامون، شتاب بیشتری نیز گرفته است. این درحالی است که حتی شهر پای قلعه، نام و هویت خود را از این قلعه به عاریت گرفته و فی‌الواقع می‌توان قلعه فیروزکوه را کانون اصلی شکل‌یابی و حافظه تاریخی شهر فیروزکوه به‌شمار آورد.

پی‌نوشت

۱. «ولفرام کلایس»، محقق برجسته آلمانی که تحقیقات گسترده‌ای درباره قلعه‌های ایران انجام داده، معتقد است که یکی از قدیمی‌ترین دژهای شناخته شده در ایران، در جنوب غربی ماکو در منطقه «راوز» قرار دارد که قریب به ۵ هزار سال قدمت دارد؛ وی اعتقاد دارد که، در ایران نخستین گام‌ها برای ایجاد استحکامات دفاعی با احداث حصار پیرامونی مساکن گروهی برداشته شده و تاریخ ایجاد مساکن گروهی حصاردار به سه هزار سال پیش از میلاد، مسیح می‌رسد (کلایس، ۱۳۶۶: ۱۰۶ و ۱۱۳).
۲. امروزه این قلعه در نزد اهالی فیروزکوه با نام «قلعه فیروزشاه» مشهور است که احتمالاً برگرفته از نام بانی آن «فیروز ساسانی» باشد.
۳. قلعه فیروزکوه در قسمت شمالی دره حبله‌رود، حدفاصل شهر گرمسار (خوار باستانی) و شهر فیروزکوه، و در مجاورت راهی قرار دارد که به باور برخی محققین دربند معروف «کاسپی» یا «خزر» روزگار هخامنشیان و اشکانیان در ابتدای جنوبی این دره و مسیر قرار داشته است (ر. ک. به: پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۴؛ ستوده و همکاران، ۱۳۶۷: ۸۴-۷۸؛ یارشاطر و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷۲ و ۱۷۵). منوچهر ستوده، هفت دربند واقع در مسیر دره حبله‌رود را چنین برشمرده است: بند اول (دژ استوناوند)، بند دوم (زاغه‌ها و غارها)، بند سوم (محمودآباد یا کفتاردره)، بند چهارم (حسن‌آباد یا سیمین دشت فعلی)، بند پنجم (گذرانی یا سه‌رخ قدیم)، بند ششم (انزها) و بند هفتم (قلعه فیروزکوه) (ستوده و همکاران، ۱۳۶۷: ۸۲-۸۱).
۴. در انجام مطالعات میدانی، مختصات جغرافیایی قلعه‌ها بر مبنای GPS مشخص و کلیه اطلاعات سازه‌ای آن‌ها مستندسازی و ثبت گردید. آنگاه، در تحلیل داده‌ها ضمن انطباق نتایج بررسی‌های میدانی و اسناد و منابع مکتوب از نرم‌افزار GIS نیز بهره‌برداری شد که نتایج آن در نوشتار حاضر ارائه شده است.
۵. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به: اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۳۳-۲۳؛ Coste, 1840: 337-365؛ Kerporter, 1821: 337-365؛ کریمان، ۱۳۴۵، ۱۳۴۹، ۱۳۵۶؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۴۹۴-۴۸۲؛ Pezard & Bondoux, 1911: 51-64؛ اشمیت، ۱۳۷۶: ۸۱-۷۸ و ۱۰۰-۹۴؛ ستوده، ۱۳۶۲: ۱۴۲-۱۳۶؛ تصاویر ۴۷ تا ۵۱؛ همان، ۱۳۶۶: ۱۰۴-۹۱؛ ستوده و همکاران: ۱۳۶۷؛ کوثری، ۱۳۷۰؛ همان، ۱۳۷۴: ۴۰۶-۳۶۵ و ۱۳۷۵: ۴۹۴-۴۵۳؛ مهرکیان، ۱۳۷۷؛ قراخانی بهار، ۱۳۵۴: ۲۰۷-۲۲۴؛ Kleiss, 1979: 537-543؛ Keal, 1979: 511-515؛ Adle, 1979: 289-307؛ Kleiss, 1987: 311-324؛ پازوکی‌طرودی، ۱۳۷۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹؛ امیری، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱: ۱۴-۹؛ باقری، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱: ۳۸-۲۷؛ باغبان‌کوچک، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱: ۱۵-۲۶؛ مصدقی‌امینی، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱: ۲۸-۲۵۸؛ خلعتبری، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱: ۲۵۷-۲۴۲؛ افروند و پوربخشنده، ۱۳۸۱؛ پوربخشنده، ۱۳۸۱: ۲۱۶-۱۹۰؛ حاتمی، ۱۳۸۲؛ سورتیجی، ۱۳۸۱؛ ملازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵-۷۱؛ اسمعیلی، ۱۳۸۶: ۶۷-۵۷؛ فرحانی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶: ۵۲-۴۶؛ همان، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۲۷ و ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۰۱؛ کریمیان و امید، ۱۳۹۵؛ فرحانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۲۷-۲۰۴۹؛ Rante, 2007: 161-180؛ Rantet, 2014: 161-180؛ رانتته، ۱۳۹۱: ۴۲-۲۹؛ نعمتی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴؛ موسوی‌نیا، ۱۳۹۴؛ موسوی‌نیا و نعمتی، ۱۳۹۵: ۲۰۸-۱۸۹).
۶. «فیروز»، پسر «یزدگرد» پسر «بهرام» بود که مدت ۲۷ سال حکومت کرد و در جنگ با «هبطالیان (هیاطله)» شکست خورد و کشته شد (طبری، ۱۳۷۵: ۶۳۱-۶۲۸). باتوجه به اهمیت منطقه فیروزکوه و عبور شاهراه مهم ارتباطی ری به طبرستان و قومس از مجاورت قلعه فیروزکوه، احتمالاً بنیاد نخستین این قلعه مربوط به پیش از عهد ساسانیان باشد.
۷. «ویمه» یا «دیمه» یا «پیرکمر»، نام محوطه‌ای باستانی واقع در ۳/۵ کیلومتری شمال شرق قلعه فیروزکوه در مجاورت راه باستانی ری به طبرستان و سمنان، در میان اراضی زراعی، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین محوطه باستانی شرق تهران و مکان شهری باستانی به‌همین نام، که بنابه اشاره «یاقوت حموی» در قرن هفتم هجری قمری جزو ربض قلعه فیروزکوه به‌شمار می‌رفت (مرتضایی و فرحانی، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۰۳).
۸. «حسن بن زید بن اسماعیل» معروف به «حالب‌الحجارا» و ملقب به «داعی‌کبیر»، سرسلسله علویان که در سال ۲۵۰ ه.ق.، در طبرستان ظهور کرد (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۳۱).
۹. او در این خصوص آورده است: «... داعیان حسن بن زید تا بدنبانند و بیروزکوه و حدود ری رفتند، جمله مردم طبرستان بیعت قبول کرده ...» (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۳۱).

۱۰. «اردهن» (Ardehan)، که در منابع تاریخی از دژهای بسیار مهم منطقه فیروزکوه به‌شمار رفته، تاکنون مکان آن شناسایی نشده است. مورخین مکان آن را حداقل دژ استوناوند و قلعه فیروزکوه ذکر کرده و آورده‌اند که با هجوم مغولان بخشی از گنجینه دولت خوارزمشاهی به این مکان منتقل شد (برای آگاهی بیشتر ر. ک. به: یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۴۵؛ زکریا قزوینی، ۱۳۶۶: ۷۷؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۹۵-۴۹۴؛ ستوده، ۱۳۶۲: ۱۳۸-۱۳۶). نگارندگان، باتوجه به اشارات اسناد تاریخی و بررسی‌های میدانی، احتمال می‌دهند که قلعه گذرخانی واقع بر بالای ارتفاعات غربی روستای گذرخانی فیروزکوه، مکان دژ اردهن باشد.
۱۱. «رکن‌الدین غورسانجی» فرزند «قطب‌الدین محمد (سلطان محمد)» از سلاطین خوارزمشاهی.
۱۲. این کتاب در سال ۸۸۵ ه.ق. در دو جلد به رشته تحریر درآمد و از کتب ارزشمند در جهت شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر تیموری است.
۱۳. مطالب این کتاب - که در زمان «سلطان احمدخان کیایی» در سال‌های ۹۲۲ ه.ق. تألیف شده - تاریخ حوادث چهل‌ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ ه.ق. را دربر می‌گیرد.
۱۴. کتاب مزبور در ابتدای قرن یازدهم هجری قمری در سال ۱۰۷۴ ه.ق. به رشته تحریر درآمده است و دربر دارنده وقایع سال‌های ۹۰۸-۸۸۵ ه.ق. است.
۱۵. دژ گل‌خندان واقع در غرب فیروزکوه و پنج کیلومتری جنوب شهر بومهن، و دژ استوناوند واقع در جنوب فیروزکوه و ابتدای جنوبی دره حبله‌رود، از قلاع بسیار مهم ناحیه کوهستانی جنوب البرز به‌شمار می‌رفتند که به‌همراه قلعه فیروزکوه در نبرد میان شاه اسماعیل اول و امیرحسین کیای چلاوی حاکم منطقه فیروزکوه و دماوند، تصرف و تخریب شدند (ر. ک. به: اسکندربیک ترکمان، ۱۳۳۲: ۳۰-۲۹؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۶۴۰ و ۶۵۴-۶۵۳ و ۳۴۳-۳۴۰؛ عالم‌آرای شاه‌اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۲۰-۱۱۶).
۱۶. اعتمادالسلطنه آورده است: «... شهر فیروزکوه منقسم به سه قسمت است... قسمت اول در سمت شمالی ست که محاذی تنگه واقع شده. قسمت دویم، طرف شمال شرقی است که در دامنه تل مرتفع شرقی است. قسمت سیم، در جانب مغرب و روبه جنوب شرقی است و در دامنه کوه شمال غربی... از قراری که معلوم می‌شود شهر فیروزکوه را چهار دروازه یا چهار مخرج و مدخل بوده است؛ یکی، مدخل تنگه شمالی که مجرای رودی ست که از تنگه واشی می‌آید. دیگری، دره که چمن گورسفید داخل آن می‌شود. سیم، دروازه جنوبی که گردنه راه سمنان است. چهارم، دروازه غربی که دره مجرای رودخانه است، بسمت خوار...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۲۹-۲۶).
۱۷. ابودلف در نیمه نخست قرن چهارم (حدود ۳۴۱ ه.ق.) درباره ویمه آورده: «... در ویمه در روزهای معینی از سال (در حدود سه ماه) شب و روز باد سختی می‌وزد... مردم این شهر هنگام وزش باد به کوهی در آن نزدیکی پناهنده می‌شوند...» (ابودلف، ۱۳۴۲: ۷۶). حدودالعالم نیز به سرمای زیاد این ناحیه اشاره کرده است (حدودالعالم، ۱۳۵۲: ۸۶).
۱۸. آب‌انبار قسمت ارگ که در اثر حفاری غیرمجاز نمایان شده، فضایی مستطیل‌شکل به ابعاد ۴×۳/۵ متر که در دل صخره کنده شده و سپس با دیواری از سنگ و ملاط گچ دیوارچینی شده و سطوح داخلی آن نیز با ملاط ساروج اندود شده است. در قسمت مرکزی شارستان قلعه نیز آب‌انباری دست‌کند و مستطیل‌شکل که با ابعاد ۳×۳۷ متر در دل سطح شیب‌دار صخره ایجاد شده و احتمالاً یخدان است (تصویر ۷: ب) نمونه‌های مشابه این یخدان در قلعه لاجورد نیز مشاهده شده است (فرحانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۴۹-۲۰۲۷).

کتابنامه

- ابن اسفندیار کاتب، بهاء‌الدین محمد بن حسن، (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. به تصحیح: عباس اقبال، به اهتمام: محمد رضانی، تهران: نشر کلاله خاور.
- ابودلف، مسعربن مهلهل، (۱۳۴۲). سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی. ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بهمن.
- اسکندربیک ترکمان، (۱۳۳۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی. جلد ۱، زیر نظر: ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اسکندری، سیامک، (۱۳۸۵). «بازشناسی کالبدی قلعه ایرج ورامین». سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بزم کرمان. جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه) صص: ۷۱-۱۰۹.
- اسمعیلی، محمداسماعیل، (۱۳۸۶). «زندان هارون». ویژه‌نامه همایش پژوهش‌های باستان‌شناسی استان تهران در سال ۱۳۸۵، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۵۷-۶۴.
- اشمیت، اریک فردریش، (۱۳۹۱). کاوش‌های تپه حصار دامغان با فصلی درباره کاخ ساسانی تپه حصار. نوشته فیسکه کیمبل، ترجمه کوروش روستایی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۵۵). مطلع الشمس. جلد ۱، ویراستاران: محمد مقدم، مصطفی انصاری، زیر نظر: مجید رهنما، بی‌جا.

- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۸). مرات البلدان. جلد دوم، به کوشش: عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۷۳). التدوین فی احوال جبال شروین. تصحیح و پژوهش: مصطفی احمدزاده، تهران: انتشارات فکرروز.
- افروند، قدیر؛ و پوربخشنده، خسرو، (۱۳۸۱). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری ری». ۴ جلد، مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- امیری، احمد، (۱۳۸۰). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری اسلامشهر». مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- امیری، احمد، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی اسلامشهر و آثار تاریخی-فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۹-۱۴.
- بارتولد، ولادیمیریویچ، (۱۳۷۲). تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس.
- باغبان کوچک، غلامعلی، (۱۳۸۰). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری پاکدشت». مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- باغبان کوچک، غلامعلی، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی پاکدشت و فهرست آثار تاریخی-فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۱۵-۲۶.
- باقری، محسن، (۱۳۸۰). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری رباط کریم». مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- باقری، محسن، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی رباط کریم و فهرست آثار تاریخی-فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۲۷-۳۸.
- پازوکی، ناصر؛ و شادمهر، عبدالکریم، (۱۳۸۴). آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی کشور. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- پازوکی، ناصر؛ فرحانی، علی؛ و حیدری، احمد، (۱۳۸۱). «گزارش گمانه زنی، تعیین حریم و نشانه گذاری تپه های تاریخی فیروزکوه». ۲ جلد، تهران: مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (منتشر نشده).
- پازوکی طرودی، ناصر، (۱۳۷۶). استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- پازوکی طرودی، ناصر، (۱۳۸۱ الف)، آثار تاریخی فیروزکوه (جغرافیای تاریخی و معرفی محوطه های باستانی و بناهای تاریخی - فرهنگی). تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- پازوکی طرودی، ناصر، (۱۳۸۱ ب). آثار تاریخی دماوند (جغرافیای تاریخی و معرفی محوطه های باستانی و بناهای تاریخی - فرهنگی). تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- پازوکی طرودی، ناصر، (۱۳۸۲). آثار تاریخی شمیران. جلد اول: لواسان و رودبار قصران (جغرافیای تاریخی و معرفی محوطه های باستانی و بناهای تاریخی - فرهنگی). تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- پوربخشنده، خسرو، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی ری و فهرست آثار تاریخی-فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۱۹۰-۲۱۶.
- پیرنیا، محمدکریم؛ و کرامت الله افسر، (۱۳۷۰). راه و رباط. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور ورامین.

- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی مشهور به غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم. جلد اول، ترجمه محمد فضائی، تهران: نشر نقره.
- جکسن، ابراهم. و ویلیامز، (۱۳۵۲). سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال). ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- حاتمی، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی - فرهنگی حوزه فرمانداری ورامین. ۲ جلد، مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- حافظ ابرو (۱۳۷۲). زبدة التواریخ. جلد اول، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران: نشر نی.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۵۲). به تصحیح: سیدجلال الدین تهرانی، تهران: مطبعه مجلسی.
- حموی بغدادی، یاقوت، (۱۳۶۲). برگزیده مشترک یاقوت حموی. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: امیرکبیر.
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی ورامین و فهرست آثار تاریخی - فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۲۴۲-۲۵۷.
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۸۰). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی - فرهنگی حوزه فرمانداری ورامین». ۳ جلد، مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- دایسون، رابرت، (۱۳۵۱). «ساختمان حریق زده تپه حصار». ضمیمه باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه.
- رانته، روکو، (۱۳۹۱). «شهر ایرانی ری، مدل شهری و معماری نظامی (تدافعی)». ترجمه هانیه شیخی نارانی، اثر، شماره ۵۹، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص: ۲۹-۴۲.
- رجب زاده، هاشم، (۱۳۹۳). «چنگیزیان». تاریخ جامع ایران، جلد ۹، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص: ۷۸۶-۴۵۵.
- روملو، حسن، (۱۳۴۹). احسن التواریخ. به اهتمام: عبدالحسین نوائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۶۲). قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز. تهران: انتشارات طهوری.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۶۶). «قلاع». معماری ایران در دوره اسلامی. جلد ۱، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص: ۱۰۴-۹۱.
- ستوده، منوچهر؛ مهریار، محمد؛ و کبیری، احمد، (۱۳۶۷). استوناوند (دژی که سه هزار و هشتصد سال از عمر آن می گذرد). تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۵۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. جلد اول، به اهتمام: عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات طهوری.
- سورتیجی، سامان، (۱۳۸۱). قلاع باستانی مازندران (از رود سوره‌خانی تا جرکلباد). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک و جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- ظهیرالدین نیشابوری، خواجه امام، (۱۳۲۲). سلجوقنامه. تهران: کلاله خاور.
- عالم‌آرای شاه اسماعیل، (۱۳۴۹). تصحیح و تعلیق اصغر منتظرصاحب. تهران: علمی و فرهنگی.

- عریان، مرضیه، (۱۳۷۴). «قلاع اسلامی». مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم. جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۳۱۲-۳۰۵.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، (۱۳۴۳). تاریخ جهان آرا. به کوشش: مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فرحانی، علی، (۱۳۸۵ ب). «دستاورد های فصل نخست پژوهش های باستان شناختی دژ گل خندان». گزارش های باستان شناسی ۶، تهران: پژوهشکده باستان شناسی، صص: ۱۵۲-۱۲۷.
- فرحانی، علی؛ رحیمی، قاسم؛ و یوسفیان، حامد، (۱۳۹۷). «بررسی باستان شناختی دژ لاجورد فیروزکوه». مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان شناسی ایران، دانشگاه مازندران، صص: ۲۰۴۹-۲۰۲۷.
- فرحانی، علی، (۱۳۸۷ الف). «گزارش ساماندهی و گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و حریم دژ گل خندان بومهن». مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، (منتشر نشده).
- فرحانی، علی، (۱۳۸۵ الف). «گزارش فصل اول پژوهش های باستان شناسی دژ گل خندان بومهن». مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، (منتشر نشده).
- فرحانی، علی، (۱۳۸۷ ب). «گزارش کاوش لایه نگاری دژ گل خندان بومهن». مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، (منتشر نشده).
- قراخانی بهار، حسن، (۱۳۵۴). «دژ گل خندان و بقعه سلطان مطهر». بررسی های تاریخی، شماره ۵، سال ۹، صص: ۲۰۷-۲۲۴.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، (۱۳۶۶). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هژار)، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- کریمان، حسین، (۱۳۴۵). ری باستان. مجلد اول (مباحث جغرافیای شهر به عهد آبادی)، طهران: انجمن آثار ملی ایران.
- کریمان، حسین، (۱۳۴۹). ری باستان. مجلد دوم، (مذهب و تاریخ و رجال و نواحی ری باستان یا سوابق پهنه طهران و دیه های کهن آن). طهران: انجمن آثار ملی ایران.
- کریمان، حسین، (۱۳۵۶). قصران (کوهسران). ۲ جلد، تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- کریمیان، حسن؛ و امید، کاظم، (۱۳۹۵). قلعه های حکمرانان محلی ناحیه زاگرس. تهران: امید مجد.
- کریمیان سردشتی، نادر، (۱۳۷۸). «تاریخ رباط در اسلام و ایران». مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، صص: ۵۵۰-۵۱۵.
- کلاویخو، روی گونسالس دو، (۱۳۶۶). سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلایس، ولفرام، (۱۳۶۶). «قلاع». ترجمه علیرضا مهینی، معماری ایران در دوره اسلامی، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص: ۱۲۸-۱۰۵.
- کوثری، یحیی، (۱۳۷۴). «ری پایتخت حکومتی». پایتخت های ایران، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۳۶۵-۴۰۶.
- کوثری، یحیی، (۱۳۷۰). «گزارش گمانه زنی قلعه گبری». ۲ جلد، مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- کوثری، یحیی، (۱۳۷۴). «پژوهشی در قلعه گبری ری باستان». مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۴۵۳-۴۹۴.

- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۹). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، (۱۳۵۲). تاریخ خانی. تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۶۸). آغاز شهرنشینی در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۹). کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی. ۲ جلد، تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران،
- مرتضایی، محمد؛ و فرحانی، علی، (۱۳۸۸). «پژوهشی باستان‌شناختی پیرامون تعیین جایگاه شهر باستانی ویمه یا دیمه». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص: ۱۱۹-۱۰۳.
- مرعشی، میرتیمور، (۱۳۵۶). تاریخ خاندان مرعشی مازندران. تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مرعشی، میرسیدظهیرالدین، (۱۳۶۱). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به‌کوشش: محمدحسین تسیحی، تهران: انتشارات شرق.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۲۰). زهدة القلوب. تصحیح: محمدعلی فروغی، بی‌جا.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. به‌اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مصدقی‌امینی، فرشید، (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی شهریار و فهرست آثار تاریخی-فرهنگی آن». پژوهشنامه دفتر پنجم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص: ۲۵۸-۲۸۰.
- صدقی‌امینی، فرشید، (۱۳۸۰). «گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری شهریار. ۲ جلد، مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- ملازاده، کاظم؛ و محمدی، مریم، (۱۳۸۵). دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی ۶، «قلاع و استحکامات دفاعی». تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، سوره مهر.
- موسوی‌نیا، سیدمهدی، (۱۳۹۴). «بررسی باستان‌شناسی قلعه ایرج ورامین؛ تاریخ‌گذاری و کاربری». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- موسوی‌نیا، سیدمهدی؛ و نعمتی، محمدرضا، (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناسی قلعه ایرج ورامین؛ تاریخ‌گذاری و کاربری». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲، صص: ۲۰۸-۱۸۹.
- مهجوری، اسمعیل، (۱۳۸۱). تاریخ مازندران. جلد اول، تهران: انتشارات توس.
- مهرکیان، جعفر، (۱۳۷۷). «گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناسی تپه واوان». مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- میرخواند، میرمحمدبن سیدبرهان‌الدین، (۱۳۳۹). تاریخ روضه‌الصفاء. جلد ۶، تهران: انتشارات خیام.
- نعمتی، محمدرضا، (۱۳۹۱). «گزارش مقدماتی طرح پژوهشی فصل دوم کاوش قلعه ایرج ورامین». مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- نعمتی، محمدرضا، (۱۳۹۴). «گزارش مقدماتی طرح پژوهشی فصل سوم پژوهش‌های باستان‌شناسی قلعه ایرج پیشوا». مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- نعمتی، محمدرضا، (۱۳۸۷). «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم، لایه‌نگاری و ساماندهی دروازه شرقی قلعه ایرج ورامین». مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (منتشر نشده).
- یارشاطر، احسان و همکاران، (۱۳۷۷). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. جلد سوم، قسمت دوم، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- یزدی، شرف‌الدین علی، (۱۳۳۹). *ظفرنامه*. جلد دوم، تصحیح و اهتمام: محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Abu Dolaf, M., (1963). *Abu Dalaf's travels in Iran, with the suspensions of Vladimir Minorski*. Translation of Abolfazl Tabataba'i, Tehran: Bahman. (In Persian).

- Adle. C., (1979). "Constructions funéraires a Rey circa X-XII siecles". *Aktendes VII. Internationalen Kongresses fur Iranische Kunst und Archaologia Munchen 7-10 September 1976 (AMI)*. Ergänzungsband 6 D Reimer Berlin, Pp: 511-515.

- Afrond, G. & Pourbakhshandeh, K., (2002). "Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Rey Governorate". Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute, (Unpublished, In Persian).

- Amiri, A., (2001). *Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Islamshahr Governorate*. Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished, In Persian).

- Amiri, A., (2002). "Brief introduction of Islamshahr and its historical-cultural monuments". *Research Journal*, No. 5, Pp: 9-14, (In Persian).

- Bagheri, M., (2001). "Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Robat Karim Governorate". Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute, (Unpublished, In Persian).

- Bagheri, M., (2002). "Brief introduction of Robat Karim and the list of its historical-cultural monuments". *Research Journal*, No. 5, Pp: 27-38 (In Persian).

- BaghbanKouchak, G. A., (2001). "Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Pakdasht Governorate". Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute, (Unpublished, In Persian).

- BaghbanKouchak, G. A., (2002). "Brief introduction of Pakdasht and its list of historical and cultural monuments". *Research Journal*, No. 5, Pp: 15-26, (In Persian).

- Clavikho, R.G., (1987). *Kalavikho's Travel*. Translation of Masoud Rajabnia, Tehran: Scientific and Cultural, (In Persian).

- Coste, P., (1840- 41). *Voyageen perse*. Gide et Baudry, Paris.

- Etemadol Saltaneh, M. H., (1976). *Matla. al Shams*. (M. A. Moghadam, M, Ed. Vol. 1), (In Persian)

- Etemadol Saltaneh, M. H., (1988). *Merat Al-Boldan* (A. H. Navaei, Ed. Vol. 1). Tehran: Univercity of Tehran. (In Persian).

- Etemadol Saltaneh, M. H., (1994). *Al-Tadwin phi Jabal Shervin*. Correction and Research of Mostafa Ahmadzadeh, Tehran: Fekre rooz . (In Persian).

- Eskandar Bik Turkmen (1953). *The History of Abbasid Scholars*. Vol. 1, Under the Supervision of Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir. (In Persian).

- Eskandari, S., (2006). "Physical Recognition of Iraj Varamin Castle". *3rd Congress on the History of Architecture and Urbanism of Iran, Bam Citadel*, Kerman, Vol. 4, Cultural Heritage and Tourism Organization (Research Institute), Pp: 71- 109 (In Persian).

- Ismaili, M. E., (2007). "Haroon Prison". *Special Issue of the Archaeological Research Conference of Tehran Province in 2006*, Pp: 57-64 (In Persian).

- Ibn Esfandiar Kateb, B. M., (1941). *The History of Tabaristan*. by: Abbas Iqbal, by: Mohammad Ramezani, Tehran: Kelaleh Khavar (In Persian).

- Schmidt, E. F., (2012). *Excavations of Damghan Hill hesar with a chapter on the Sassanid Palace of Tappeh Hesar*. by Fiske Kimble, Translation of kourush Rustaii, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization, Directorate General of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Semnan Province. (In Persian).
- Barthold, V., (1993). *Tazkira of Iran's Historical Geography*. Translation of Hamza Sardadour, Tehran, Toos Publications (In Persian).
- Pazouki Toroudi, N., (1997). *Defense Fortifications in Islamic Period of Iran*. Tehran: Cultural Heritage Organization, Research Institute (In Persian).
- Pazouki Toroudi, N., (2002a). *Damavand historical monuments (historical geography and introduction of ancient sites and historical-cultural buildings)*. Tehran: Cultural Heritage of Tehran Province.
- Pazouki Toroudi, N., (2002b). *Firoozkooch historical monuments (historical geography and introduction of ancient sites and historical-cultural buildings)*. Tehran: Cultural Heritage of Tehran Province.
- Pazouki Toroudi, N., (2003). *Shemiran Historical Monuments Volume One: Lavasan and Rudbar Ghasran (Historical Geography and Introduction of Ancient Sites and Historical- Cultural Monuments)*. Tehran: Cultural Heritage of Tehran Provinc (In Persian).
- Pazoki, N.; Farahani, A. & Heidari, A., (2002). "Speculative Report, Determination of Privacy and Marking of Historical Hills of Firoozkooch". 2 Volumes, Tehran: Document Center of Cultural Heritage and Tourism Research Institute.(Unpublished, In Persian).
- Pazoki, N. & Shadmehr, A., (2005). *Iran's registered works in the National Monuments List*. Tehran: Publications of The National Heritage, Handicrafts and Tourism Organization (In Persian).
- Pirnia, M. K. & Afsar, K., (1991). *Road & Ligament*. Tehran: Cultural Heritage Organization of Iran and Armin. (In Persian).
- Pourbakhshandeh, K., (2002). "Brief introduction of Rey and the list of its historical-cultural monuments". *Research Journal*, No. 5, Pp: 190-216 (In Persian).
- Soalabi Neyshaburi, 'A. M., (1989). *The history of Soalabi known as Ghar al-Akhbarboluk al-Fares and Sirham*. Vol. 1, Translation of Mohammad Fazaeli, Tehran: Noghreh.
- Jackson, A. W. W., (1973). *Jackson's travelogue (Iran, past and present)*. (M. Amiri & F. Badraei, Trans.), (In Persian).
- Hatami, A., (2003). "Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical Cultural Monuments of Varamin Governorate". Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished, In Persian).
- Hafez Abro, (1993). *Zabadeh al-Tawarikh/* Vol. 1, Introduction, Correction and Suspensions of Seyed Kamal Haj Seyed Javadi, Tehran: Ney. (In Persian).
- *Hodod al-'Alam I al-Mashareq al-Mughrab*. (1973). According to Seyed Jalaaluddin Tehrani, Tehran: Majlesi's Office. (In Persian).
- Hamawi Baghdadi, Y., (1983). *Jointly Selected by Yaghut Hamavi*. Translation by: Mohammad Pruvín Gonabadi, Tehran: Amir Kabir. (In Persian).
- Khalatbari, M. R., (2001). *Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Varamin Governorate* (Unpublished, In Persian).
- Khalatbari, M. R., (2002)." Brief introduction of Varamin and the list of its historical-cultural monuments". *Research Journal*, No. 5, Pp: 242-257 (In Persian).
- Dyson, R., (1972). "The Burnt-Out Building of Tappeh Hesar". *Iranian Archaeology*

and Art, No. 9 – 10, Tehran: Ministry of Culture and Art, Directorate General of Archaeology and Folklore.

- Rante, R., (2013). "Iranian city of Rey, urban modeland military architecture (defensive)". *Athar*, No. 33(59), Pp: 30-42 (In Persian).
- Rajabzadeh, H., (2014). "Genghisian". *Comprehensive History of Iran*, Vol. 9, Under the Supervision of Kazem Mousavi Bojnourdi, Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia, Pp: 786-455 (In Persian).
- Romelu H., (1970). *Ahsan al-Tawarikh*. with the efforts of Abdolhossein Navaei, Tehran: Book Translation and Publishing Company.(In Persian).
- Sotoudeh, M., (1983). *Ismaili forts in the Alborz Mountains*. Tehran: Tahoori. .(In Persian).
- Sotoudeh, M.; Mehryar, M. & Kabiri, A., (1988). *Astonavand (a fortress that is three thousand eight hundred years old)*. Tehran: Jahangiri (In Persian).
- Samarkandi, K. A., (1974). *Matlaa Saadin and Majmaa Bahrain*. Vol. 1, with the efforts of Abdolhossein Navaei, Tehran: Tahuri (In Persian).
- Sortiji, S., (2002). *Ancient Qal'a of Mazandaran (from Surkhani River to Jerkolbad)*. Tehran: Cultural Heritage Organization of Iran (In Persian).
- Tabari, M. J., (1996). *History of Tabari or The History of Al-Rassal and Al-Muluk*. Vol. 2, Translation by: Abolghasem Payandeh, Tehran: Asatir (In Persian).
- Zahiral-Din Nishaburi, Kh. E., (1943). *Seljuqnameh*, Tehran: KalaLeh Khavar.
- Alamaray Shah Isma'il's, (1970). *Correction and Suspension of Asghar MontazerSaheb*. Tehran: Scientific and Cultural.
- Uryan, M., (1995). "Islamic Qal'a". *Proceedings of the Iranian Congress on The History of Architecture and Urbanism, Bam Citadel*, Vol. 1, Tehran Cultural Heritage Organization of Iran, Pp: 312-305 (In Persian).
- Ghaffari Ghazvini, Qh. A., (1964). *The History of Jahanara*. by: Mojtaba Minavi, Tehran: Hafez Bookstore .
- Farhani, A., (2007a). *Report of the first chapter of archaeological research of Golkhandan fort of Boomehen*. Documentation Center of the Archaeological Research Institute, (Unpublished, In Persian).
- Farhani, A., (2007b). "Achievements of the first chapter of archaeological research of Golkhandan Fort". *Archaeological Reports*, (6), Tehran Archaeological Research Institute, Pp: 127-152 (In Persian).
- Farhani, A., (2008a). "A report on organizing and speculating in order to determine the area and Frontage of the Golkhandan fort of Boomehen". Archaeological Research Institute Documentation Center (Unpublished, In Persian).
- Farhani, A., (2008b). "Exploding Report of Layering of the Golkhandan fort of Boomehen". Archaeological Research Institute Documentation Center (Unpublished, In Persian).
- Qarakhani Bahar, H., (1975). "The Golkhandan Fortree and the Tomb of Sultan Motahar". *Historical Studies*, No. 9(5), Pp: 207-224 (In Persian).
- Ghazvini, Z., (1987). *Asar Al-Belad and Akhbar al-Ebad*. Translation by: Abdorrahman Sharafkandi (Hejaar), Tehran: Andishe Javan (In Persian).
- Kariman, H., (1966). *Ancient Rey*. Vol. 1, (Topics of geography of the city to The Covenant of Abadi), Tehran: National Monuments Society of Iran (In Persian).
- Kariman, H., (1970). *Ancient Ray*. The second Vol, (Religion, history, rijal, and ancient Ray regions or records of tehran and its ancient diyah), Tehran: National Monuments Association of Iran (In Persian).

- Kariman, H., (1977). *Qasran (Kooheran)*. 2 Vol., Tehran: Iranian National Monuments Association (In Persian).
- Karimian, H. & Omid, K., (2016). *Castles of local rulers of Zagros*. Tehran: Omid Majd (In Persian).
- Karimian, H. & Seyedin, S., (2010). "A preliminary survey at the circular city of Darabgird, Iran". *Antiquity*, No. 84, Issue 324, Pp: 1-5.
- Karimian Sardashti, N., (1999). "The History of Rabat in Islam and Iran". *Proceedings of the Second Congress on The History of Iranian Architecture and Urbanism, Bam Citadel*, Vol. 2, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization (Research Institute), Pp: 550-515 (In Persian).
- Kerporter, R., (1821). *Travels in Georgia Persia Armenia ancient Babylonia*. Vol. 2, London.
- Keall, E. J., (1979). "The Topography and Architecture of Medieval Rayy". *Akten des VII. Internationalen Kongresses Fur Iranische Kunst und Archaologie Munchen*, 7-10 September 1976, (AMI), Ergantungband 6 D. Reimer Berlin, Pp: 537-543.
- Kleiss, W., (1987). *Forts*. (A. Mahini, Trans.) Iranian architecture in the Islamic Period (M. Y. Kiani, Ed.). Tehran: Jihad Daneshgahi, Pp: 105-128 (In Persian).
- Kleiss, W., (1982). "Qaleh Gabri Naqareh khaneh und Bordj-e Yazid. Bei Rey". *AMI*, Band15, Deitrich Reimer Verlag Berlin, Pp: 311-324.
- Kleiss, W., (1987). "Gal Gabri ber Veramin". *AMI*, Band 20, Pp: 289-308.
- Kowsari, Y., (1992). *Qaleh Gabri speculation report* (Vol. 2). Documentation Center of Cultural Heritage and Tourism Research Institute (unpublished, In Persian).
- Kleiss, W., (1996a). *Rey is the capital of the government, capitals of Iran*. (M. Y. Kiani, Ed.). Tehran: Cultural Heritage Organization of the country (In Persian).
- Kleiss, W., (1996b). "Research in the ancient castle of Gabri Rey". *Proceedings of the Congress of the History of Architecture and Urbanism of Iran, Bam Citadel* (Vol. 3). Tehran: Cultural Heritage Organization (In Persian).
- Kiani, M. Y., (2000). *History of Iranian Architectural Art in Islamic Period*. Tehran, Samt (In Persian).
- Lahiji, A., (1973). *History of Khani*. Correction and Humiliation of Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Iranian Culture Foundation (In Persian).
- Majidzadeh, Y., (1989). *Beginning of urbanization in Iran*. Tehran: Academic Publishing Center (In Persian).
- Kiani, M. Y., (2010). *Excavations of Uzbeki Archaeological Site*. (Vol. 2). Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Tehran Province (In Persian).
- Morteza'i, M. & Farahani, A., (2009). "Archaeological Research on Determining the Status of The Ancient City of Vime or Dimeh". *Journal of Archaeological Studies*, Vol. 1, (2), Autumn and Winter 2009, Pp: 119-103 (In Persian).
- Marashi, M. T., (1977). *History of The Marashi Family of Mazandaran*. Correcting Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Iran Cultural Foundation. (In Persian).
- Marashi, M. Z., (1982). *History of Tabaristan, Royan and Mazandaran*. by: The Efforts of Mohammad Hossein Tasbihi, Tehran: Shargh (In Persian).
- Mostofi Ghazvini, H., (1941). *Nazhat al-Qulub*. Correction of Mohammad Ali Foroughi, Misplaced (In Persian).
- Mostofi Ghazvini, H., (1983). *Selected History*. by: Abdolhossein Navaei, Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Mosadeghi Amini, F., (2001). *Research Report on the Study and Identification of Antiquities and Historical-Cultural Monuments of Shahriar Governorate*.

Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute. unpublished (In Persian).

- Mosadeghi Amini, F., (2002). *Brief introduction of Shahriar and the list of its historical and cultural monuments. Research Journal*, No. (5), Pp: 258-280 (In Persian).

- Mollazadeh, K. & Mohammadi, M., (2006). *Encyclopedia of Historical Monuments of Iran in the Islamic Forts and Defense Fortifications*. Tehran: Surah Mehr. (In Persian).

- Mousavinia, S. M., (2015). "Archaeological study of Iraj Varamin Castle; dating and Function". University of Tehran (Unpublished, In Persian)

- Mousavinia, S. M. & Nemati, M., (2017). "Archaeological Survey of Qaleh Iraj, Dating and Function". *Journal of Archaeological Studies*, No. 8(2), Pp: 189-208 (In Persian).

- Mahjuri, E., (2002). *History of Mazandaran*. Vol. 1, Tehran: Toos (In Persian).

- Mehrakian, J., (1998). "Preliminary Report of the Second Chapter of Archaeological Excavations of Wavan Tepe". Documentation Center of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished, In Persian).

- MirKhand, M. M., (1960). *The History of Rawdat al-Safa'* Vol. 6, Tehran: Khayyam (In Persian)

- Nemati, M. R., (2008). "Preliminary Report on Qaleh Iraj Excavation, the first season". The Archive of the Cultural Heritage Organization of Tehran Province, (Unpublished, In Persian).

- Nemati, M. R., (2012). "Preliminary Report on Qaleh Iraj Excavation, the second season". The Archive of the Cultural Heritage Organization of Tehran Province (Unpublished, In Persian).

- Nemati, M. R., (2015). "Preliminary Report on Qaleh Iraj Excavation". The Third Season. The Archive of the Cultural Heritage Organization of Tehran Province (Unpublished, In Persian).

- Pezard, G. & Bondoux, G., (1911). "Mission de Tehran". *Memoires de la mission archeologique en perse* (MDP), No. XII, Pp: 51-64.

- Rante, R., (2007). "The Topography of Rayy during the Early Islamic Period". *IRAN* XIV, Pp: 161-180.

- Rante, R., (2014). *Rayy: From Its Origins to the Mongol Invasion An Archaeological and Historiographical Study*. London.

- Yarshater, E. et al., (1998). *Iran's History from the Seleucids to the Collapse of the Sassanid Government*. Vol. III, Part 2, Collector Ehsan Yarshater, Translation by Hassan Anousheh, Tehran: Amir Kabir.

- Yazdi, Sh. A., (1960). *Zafarnameh*. Vol. 2, Correction and Efforts of Mohammad Abbasi, Tehran: Amir Kabir (In Persian).